

علی اسدپور، دانشیار گروه مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و مرمت، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران.

asadpour@shirazartu.ac.ir

شیراز، جنب بلوار چهل مقام، چهارراه ادبیات، دانشگاه هنر شیراز،

کد پستی ۷۱۴۶۶۹۶۸۹، موبایل: ۰۹۱۷۳۰۶۱۸۲۸

* این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF)، برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۴۵۳۷۳»، انجام شده است.

The Category of Architecture in Private Documents of the Qājār Period: A Structural Semantic Analysis**

Ali Asadpour, Associate Professor, Department of Iranian Architecture Studies, Faculty of Architecture and Restoration, Shiraz University of Arts, Shiraz, Iran.

Adabiyat Crossroads, Chehel Magham St. Shiraz University of Arts, Shiraz, Fars, Iran, Postal code 7146696989,
Cellphone: +9890173061828, Email: asadpour@shirazartu.ac.ir

** This work is based upon research funded by Iran National Science Foundation (INSF) under project No 4045373.

بسمه تعالی

مقوله معماری در اسناد مردمی دوره قاجار: تحلیلی مبتنی بر معنی شناسی ساخت گرا

چکیده

اسناد مردمی به عنوان بازنمودهایی زبان شناختی، حامل بخشی از تجربه زیسته مردم هستند و پاره‌ای از مفاهیم تاریخی را نیز در خود جای داده‌اند. هدف پژوهش کنونی استخراج ساختار زبانی فهم و بازنمایی مقوله معماری در این دسته از اسناد است. این کار با استفاده از مفاهیم معنی شناسی ساخت گرا انجام شده و سپس با الهام از تاریخ مفهوم خصوصیات آن تبیین شده است. پرسش اصلی این است که ساختار زبانی مواجهه اسناد مردمی روزگار قاجار با مقوله معماری چه معرفت تازه‌ای در خود دارد؟ رویکرد این پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوا است؛ بدین منظور، ۷۶ سند مردمی مرتبط با شهر شیراز در دوره قاجار (موجود در آرشیوهای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و دنیای زنان عصر قاجار) بازخوانی و تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که «فرآیند تأسیس و تعیین مقوله معماری» در ذهنیت قاجاری، الگویی پنج‌گانه شامل تأسیس، تشخیص، تعلّق، تعیین و احصای متعلقات دارد. یافته‌ها در دو ساحت تأسیسی و تعیینی تبیین شدند که نشان‌دهنده «شأنیت فضا در مقابل عمارت»، «ساخت مقوله خانه بر پایه مفروز و غیرمفروز» (متأثر از ارزش مبادله‌ای و قابلیت بخش‌پذیری بنا)، «تعیین حدود بنا بر پایه هم‌جواری‌ها و نگاه موضع‌شناسانه» (برپایه موقعیت فرد در بنا)، «تعلّق بنا به شخص و شهر» و «نامیدن آن به صفات یا ویژگی‌ها» هستند.

واژه‌های کلیدی: تاریخ مفهوم، سند، قاجاریان، معماری، معنی شناسی

مقدمه

اگر سند را هر نوع نوشته خطی بدانیم که حاوی محتوای مادی باشد (حسن آبادی، ۱۴۰۲، ۵)، اوراق زندگی روزمره، داده‌هایی مادی درباره زندگی جاری و حوایج روزانه مردم عادی به دست می‌دهند. این اسناد کمتر از نمونه‌های دیوانی، سلطانی، منشآت و نظایر آن مورد توجه پژوهشگران تاریخ معماری ایران بوده‌اند؛ چراکه اسناد زندگی روزمره در بیشتر موارد به بنا یا آرسن شهری فاخر یا ماندگاری ارجاع نمی‌دهند. از طرف دیگر، مراجعه به سند تاریخی در مطالعات معماری بیشتر اوقات باهدف خلق روایت صورت می‌پذیرد، درحالی که جنبه‌های زبان‌شناسانه اسناد واجد معرفت‌های معماری غیر روایی هستند که با تحلیل‌های معنی‌شناسی قابل مطالعه است. آن‌ها نماینده زبان فنی - حقوقی و نمودی از فهم معماریانه مردم دوره خود به شمار می‌روند و می‌توانند موضوع مطالعه تاریخ مفهوم آئیز باشند. از آنجاکه تمامی دسته‌بندی‌های موجود در زمینه اسناد تاریخی، جنبه اعتباری دارند^۳ و هنوز دسته‌بندی جامعی دیده نمی‌شود، در این پژوهش به اوراق زندگی روزمره، با توجه به نگرش، هدف و رویه پژوهش، «اسناد مردمی» اطلاق شده است. این اسناد شامل مباحثه‌نامه‌ها، اجاره‌نامه‌ها، صلح‌نامه‌ها، وقف‌نامه‌ها و جز آن می‌باشند. در این اسناد بیشترین داده‌های معماری در بخش موسوم به «معامله» یا «عین مستأجره» یا «مشخصات مبیع» دیده می‌شود، ولی پژوهشگران اغلب از شناخت تفصیلی آن خودداری نموده‌اند. به عنوان نمونه، کریستوف ورنر^۴ (۱۳۹۶/۲۰۰۳، ۶۱) از این بخش به «برگه نمایه» یاد کرده و بر این باور است که در بیشتر موارد، توصیف موضوع معامله تنها دربرگیرنده برخی مدخل‌های کلیدواژه‌ای است و هیچ‌گونه آگاهی مفصلی در دسترس یک مورخ قرار نمی‌دهد. به اعتقاد وی این توصیف‌ها فقط به افراد مطلع از محل و موضوع، برخی ویژگی‌های بنا را عرضه می‌کند. برخلاف نظر وی، این تقلیل ظاهری، ساختاری مفهومی را در بر دارد که در این پژوهش از آن به «ساختار تأسیس و تعین مقوله معماری» یاد شده؛ ساختاری که نمودی از فهم مقوله معماری نزد مردم دوره قاجار است و مفهومی متفاوت با امروز دارد. هدف این پژوهش استخراج این ساختار با استفاده از تحلیل روابط معنایی در متن اسناد مردمی شیراز دوره قاجار است. پرسش این است که چه روابطی میان اجزای مقوله معماری به مثابه یک ساخت در اسناد مورد مطالعه برقرار است؟ مقوله معماری چگونه در این اسناد فهم می‌شود؟ و مهم‌تر از آن، این یافته‌ها چه معرفت تازه‌ای از مقوله معماری نزد مردم گذشته عرضه می‌کنند؟

روش پژوهش

روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. از معنی‌شناسی ساخت‌گرا به عنوان ابزاری برای توصیف، تحلیل و بازسازی ساختار مفهومی مقوله معماری در اسناد تاریخی و از تاریخ مفهوم به عنوان رویکردی برای تبیین نهایی استفاده شده است. قید نوع سند شامل اسناد مردمی متعلق به بافت تاریخی شیراز و قید موضوع سند شامل هرگونه اشاره به بنا و اجزای آن در اسناد است. با جستجو در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) و آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار (WWQI)^۵ که در کتابخانه دانشگاه هاروارد میزبانی می‌شود، در مجموع ۷۶ سند با قید موضوعی، زمانی و جغرافیایی این پژوهش منطبق بودند که از این میان ۳۹ سند متعلق به ساکما و ۳۷ سند به آرشیو دیگر تعلق دارند. اسناد، کمابیش کل دوره زمامداری قاجاریان را در برمی‌گیرند ولی شمار اسناد مورد مطالعه از سال ۱۳۰۰ ه.ق به این سو از دیگر سال‌ها بیشتر است. به بیان دیگر، ۷۰٪ از اسناد پس از دهه پایانی عصر ناصری تنظیم شده‌اند. در گام نخست، تمامی اسناد به طور کامل بازخوانی شدند. سپس واژه‌های مرتبط با مقوله معماری در رکن محتوای هر سند، به عنوان داده اولیه استخراج گردید؛ از آنجاکه هدف از این کار تشخیص روابط میان واژه‌ها است، فراوانی آن‌ها معیاری برای مطالعه نیست. در گام بعدی، مقوله‌های محوری پنج‌گانه‌ای در اسناد شناسایی شدند؛ با تعیین موقعیت اجزای هر مقوله در محور هم‌نشینی و بدیل‌های آن در محور متداعی امکان مطالعه نسبت اجزای آن‌ها با یکدیگر بر پایه مفاهیم معنی‌شناسی ساخت‌گرا فراهم آمد.

برای استخراج ساختار شکل‌دهنده به آن مقوله معماری حالات گوناگون هم‌نشینی واژه‌ها برای هر مقوله معماری جداگانه بررسی شده و فصل مشترک آن‌ها به عنوان یک ساخت ارائه شده است. بررسی نسبت و روابط میان واژه‌ها با استفاده از رهیافت بازنمودی^۶ در معنی‌شناسی ساخت‌گرا به عنوان ابزار عملیاتی در استخراج مفهومی مقوله معماری انجام شده است (جدول ۱). بنیان نگرش‌های گوناگونی که در رهیافت بازنمودی وجود دارند، روابط مفهومی^۷ است که نخستین بار جان لاینز^۸ بر پایه توصیف روابط تقابلی آن را بسط داد (گندمکار، ۱۴۰۱، ۲۴۸)؛ از نظر وی این روابط ورای آن چیزی هستند که معنی نامیده می‌شود؛ چراکه معنی درواقع «عملکرد روابط متعدد» است (متیوس، ۱۴۰۲/۲۰۰۱، ۲۶۲ و ۲۶۳). در گام نهایی، یافته‌های این بخش پژوهش با بررسی عملکرد روابط گوناگون در قالب ساختار مفهومی مقوله معماری و با الهام از تاریخ مفهوم، تحلیل و نقد شده‌اند تا بخشی از مفهوم آن مقوله معماری در دوره قاجار تبیین شود.

جدول ۱. مفاهیم قابل استفاده از معنی‌شناسی ساخت‌گرا در اسناد معماری (یافته پژوهش بر اساس صفوی، ۱۴۰۰؛ گندمکار، ۱۳۹۹ و

(۱۴۰۱)

نام نگرش	شرح
حوزه واژگانی ^{۱۱} حوزه معنایی ^{۱۲}	لایه میانی و حفاصل ذهن و جهان خارج شامل اقلام واژگانی که از نظر مفهومی به هم مرتبط هستند و معنی آن‌ها به هم وابسته است.
تحلیل مؤلفه‌ای ^{۱۳}	توصیف محتوای معنای واژه بر اساس رابطه درونی واحدهای تشکیل دهنده حوزه واژگانی برحسب تقابل با سایر واحدهای آن حوزه که یک نظام را می‌سازد.
معنی‌شناسی رابطه‌ای ^{۱۴}	شمول معنایی ^{۱۵}
	تقابل معنایی ^{۱۶}
	تباین معنایی ^{۱۷}
	هم‌معنایی ^{۱۸}
	جزء واژگی ^{۱۹}
	عضو واژگی ^{۲۰}
	واحد واژگی ^{۲۱}

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌هایی که به نحوی با موضوع یا حوزه پژوهش ارتباط مفهومی دارند نشان می‌دهد که آن‌ها را در کل می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ برخی از پژوهش‌ها بیش از دیگر منابع تاریخی بر سند تکیه دارند و بخش قابل توجهی از دلایل و نتایج خود را به اعتبار و به پشتوانه اسناد تاریخی عرضه نموده‌اند. این پژوهش‌های سندپایه، هر نوع اشاره به مقوله معماری را به مثابه شاهی بر مصداقی عینی دانسته و با همه تلاشی که داشته‌اند ولی همچنان سند را مکمل تصویر یا دیگر متون تاریخی دانسته‌اند (نک: قاسم‌خان، ۱۳۹۷؛ مسعودی‌نژاد، ۱۴۰۲). برخی دیگر، بنیاد پژوهش را بر بازخوانی، تحلیل و شناخت عمیق و چندجانبه سند نهاده‌اند. این پژوهش‌های سندمحور هرچند به جد در پی مطالعه مقولات معماری یا مرتبط با معماری همچون حامیان و بانیان و اقتصاد ساخت و فرهنگ و آداب صنعت رفته‌اند، ولی آن‌ها نیز از سند به مثابه مدرک مرتبط با بنا یا ارسن‌های شهری برای توصیف تاریخی بهره برده‌اند و در آن‌ها به چگونگی پراکنده شدن مقوله معماری در اسناد پرداخته نشده است (نک بلر، ۱۳۸۷؛ اسدپور، ۱۴۰۴). به‌طور کلی، هدف پژوهش‌های پیشین فهم فرایند تبدیل مفهومی ذهنی به واقعیتی زبانی نبوده است و در فرایند پژوهش نیز به زبان‌شناسی از حیث واحدها و ساختارها توجهی نشده است. هیچ‌یک از این پژوهش‌ها در پی مطالعه شیوه فهم، سازمان‌دهی و ساختن مقوله‌های معماری در اسناد نبوده‌اند و نشان نداده‌اند چنین ساختارهای مفهومی چگونه می‌توانند نماینده بخشی از فهم جامعه از مقوله‌های معماری باشند.

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش منظور از «مقوله»، نوعی طبقه‌بندی زبانی است که به واسطه آن بنا در اسناد تاریخی توصیف شده است. در این صورت «مقوله معماری» همچون یک مفهوم تاریخی قابل مطالعه خواهد بود. پیش از این، معماری به مثابه یک مفهوم در گذار از دوران ساسانی به روزگار اسلامی بررسی شده و برای این کار حوزه‌های معنایی هر واژه معرف معماری شناسایی و تحول و دگرگونی‌های در زمانی آن‌ها ذیل تاریخ مفهوم مطالعه گردیده است (قیومی بیدهندی و دانایی‌فر، ۱۳۹۵). پژوهش حاضر، مقوله معماری را مبنای تحلیل قرار داده است و رویکردهای در زمانی و هم‌زمانی^{۲۲} در دو سطح مجزا خوانش می‌کند. از آنجاکه دغدغه اصلی مورخان تاریخ مفهوم فراتر از نگارش تاریخ واژه‌ها، بررسی مفهوم یک واژه و حتی دگرگونی‌های معنایی آن‌ها است (Richter, 1995, p.9)، برای بازسازی مفهوم مقوله معماری به

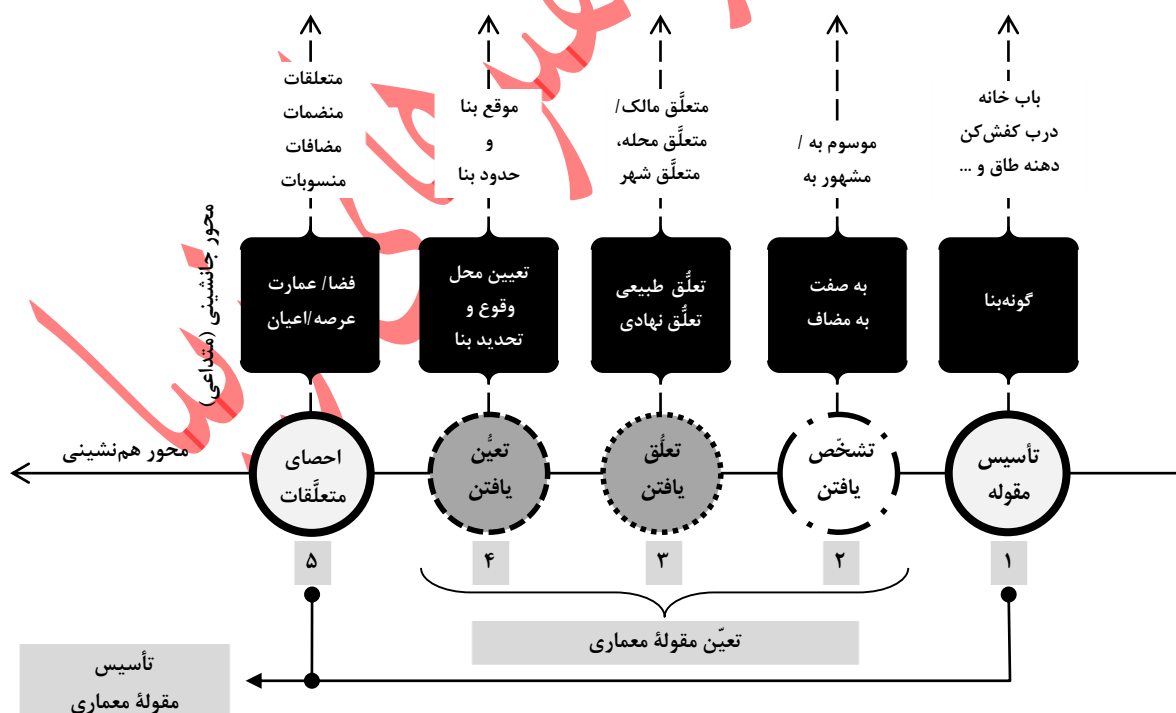
شبکه‌ای از مفاهیم و واژه‌ها که حول موضوع بنا در اسناد دیده می‌شود، تکیه شده است. این شبکه محصول محورهای هم‌نشینی و جانشینی ناشی از موقعیت قرارگیری همین مفاهیم و واژه‌ها هستند. این بخش، بازسازی هم‌زمانی ساختار مفهومی مقوله معماری نام دارد که جانشین میدان معانی گذر خوانش‌های مرسوم در تاریخ مفهوم شده است.

چنین ساختار مفهومی از مقوله معماری در نتیجه تجربه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی دگرگونی‌های یافته که می‌بایست با روش تاریخی، بازسازی و به زبان امروز ترجمه شود؛ چنین کاری در تاریخ مفهوم به چارچوبی مرجع‌یاز دارد که از آن به دوران آستانه‌یاد می‌کنند؛ یعنی گذار از دوران پیشامدرن زبان به کاربرد امروزی آن (Koselleck, 2002, p.5). از آنجاکه بیشترین اسناد مورد مطالعه در این پژوهش به دهه‌های پایانی دوره قاجار تعلق دارند، دوران آستانه، حفاصل قاجاریان و امروز خواهد بود. این بخش از پژوهش، رویکردی در زمانی دارد. از سوی دیگر، هر چند درهم‌تنیدگی عوامل گوناگون در واقعیت تاریخی انکارناپذیر است، ولی در تاریخ مفهوم تنها بازمانده‌های زبانی (اسناد شفاهی و مکتوب) امکان احراز معنای دقیق رخدادها را فراهم می‌آورند و در عین حال هیچ‌گاه مفهوم‌پردازی‌های زبانی که جامعه از طریق آن‌ها دست به عمل می‌زند، خود را تفسیر می‌کند، دگرگون می‌سازد یا از نو سازمان می‌دهد نیز کاملاً بر روابط اجتماعی و تعارض‌ها و پیش‌فرض‌های آن‌ها منطبق نیستند (Koselleck, 2002, pp.23-27)؛ بنابراین، مفهوم مقوله معماری که در این پژوهش ساخته می‌شود تنها بازتابی از ذهنیت‌های مردم روزگار قاجار در اسناد هستند و نمی‌تواند کاملاً بر آن‌ها منطبق باشد.

ساختار مفهومی مقوله معماری

ساختار شکل‌دهنده به مقوله معماری در اسناد مورد مطالعه حاصل شبکه‌ای کمابیش مشخص است که بر مجموعه‌ای از ترجیح‌ها و تصمیم‌های ذی‌نفعان استوار بوده و سلسله‌ای از مناسبات سازمان‌یافته میان واحدهای سازنده ساخت معماری را در اسناد آشکار می‌سازد (نمودار ۱). اجزای مقوله معماری در این ساختار بر محور هم‌نشینی و در رابطه‌ای زنجیره‌ای نسبت به هم قرار می‌گیرند. این ساختار شامل ۱. تأسیس مقوله، ۲. تشخیص یافتن مقوله، ۳. تعلق یافتن مقوله، ۴. تعیین یافتن مقوله و در نهایت ۵. احصای متعلقات مقوله است که آن‌ها را در کل می‌توان «ساختار تأسیس و تعیین مقوله معماری» نام نهاد. جز احصای متعلقات که برخی اوقات بعد از تأسیس مقوله قرار می‌گیرد، سایر موارد در بیشتر مواقع بدون تغییر و در پی یکدیگر می‌آیند. چنین ساختاری از مقوله معماری، بنا را به صورت تدریجی تعریف و تشریح می‌کند.

نمودار ۱. ساخت مقوله معماری در اسناد تاریخی (یافته‌های پژوهش)



۱. تأسیس مقوله

فهم معماری در اسناد مورد مطالعه در ابتدا با استوار کردن و آشکار نمودن حدود مقوله معماری و قواعدش آغاز می‌شود. برای این کار ترکیبی از «واحدواژه» و «گونه‌بنا» مورد نیاز است تا بتوان آن را از دیگر مقوله‌های ممکن مجزا نمود. در اسناد مورد مطالعه ۴ واحدواژه اصلی برای شمارش مقوله‌های معماری به کار رفته‌اند؛ باب، درب، دست و دهنه. «باب» پُرسامدترین واحدواژه برای شمارش مقوله‌های معماری است و در اینجا به معنی تام و تمام چیزی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۳، ۳۷۷۴). در که جزئی اغلب دائمی از هر گونه‌بنا است به کل بنا اطلاق شده است؛ به این معنی که با توسیع معنایی در طی زمان، تمام مقوله معماری مورد نظر را معنی می‌دهد. این واحدواژه هم برای شمارش مقوله‌های معماری و هم برای شمارش متعلقات آن‌ها به کار رفته است. به عنوان نمونه، می‌توان به «یک باب خانه» (WWQI 16179A181) و «سه باب حانوت» (WWQI 15161A112) اشاره نمود. نمونه‌هایی برای شمارش متعلقات یک مقوله معماری - که با آن مقوله رابطه عضو و اژگی دارد - عبارت‌اند از: «یک باب بالاخانه پنج‌دری» (WWQI 16179A75)، «یک باب اوطاق» (WWQI 16179A11)، «یک باب اُرسی سه‌دری و پنج‌دری» (WWQI 16179A52; 14135A1)، «یک باب گوشواره»، «یک باب پشتک» (WWQI 14135A1). از این واحدواژه برای شمارش اتاق در کاروانسرا نیز استفاده شده است؛ «یک باب اطاق کاروانسرای واقع در درب گمرک» (WWQI 16179A146). هرچند در ظاهر درب و باب هر دو به یک معنا هستند ولی از درب اغلب برای شمارش متعلقات یک مقوله استفاده می‌شود؛ در سندی مربوط به «تفکیک خانه میرزا عبدالرزاق» به دست محمدکاظم معمار (۱۳۲۸ ه.ق) از «یک درب کفش‌کن و صندوق‌خانه» یاد شده است (WWQI 16179A77). درب در این اسناد معرف بزرگ‌ترین و فراخ‌ترین مدخل ورود به فضای پشت آن تلقی می‌شود به نحوی که فضای پشت خود را ذیل خود تعریف می‌کند. برای کفش‌کن نیز چنین است؛ کفش‌کن «جایی در پیش درآیگاه» (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۵۱) است و تنها عنصر شاخص برای شناخت آن همان «درب» است که پیوسته به آن معنا می‌یابد و بدون آن معنی نخواهد داشت.

واحدواژه دیگر، «دست» است. در نسخه اولیه وقف‌نامه حاج محمد در محله درب مسجد شیراز (۱۲۴۸ ه.ق)، از یک باب خانه مشتمل بر «دو دست عمارت تحتانی اُرسی پنج‌دری و دو بالاخانه» یاد شده است که در نسخه نهایی وقف‌نامه (۱۲۵۰ ه.ق) دیده نمی‌شود (WWQI 14135A1). هم‌معنایی واحدواژه «دست» با «عمارت» در نسخه‌های اولیه سند وقف می‌تواند نشان از زبان عرفی مردم آن روزگار باشد که شم زبانی سخنوران بین آن دو تمایز چندانی نگذاشته‌اند. «دهنه» واحدواژه‌ای برای شمارش طاق‌نما است. اصطلاح درست‌تر آن باید دهانه باشد که در معماری به معنی فاصله میان پایه‌های طاق یا گنبد است (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲۳). از آنجاکه هر جدار ساده در معماری ایرانی را با ساخت طاق‌نمایی، مزین می‌کردند، فاصله میان پایه‌های هر طاق‌نما که یک دهانه طاق‌نما را می‌ساخته به واحدی برای شمارش آن بدل شده است. نمونه‌ای از آن، اشاره‌ای است که کریم‌لای میرزا حیدر معمار و استاد محمدکریم معمار به قیمت دو دهنه طاق‌نمای خانه مادر مشهدی علی‌اکبر در محله بالاکنف (۱۳۳۴ ه.ق) دارند (WWQI 16179A192).

اشتراک بناها در یک شرط لازم، آن‌ها را در یک حوزه جای می‌دهد که در زبان‌شناسی، حوزه معنایی و در معماری گونه‌بنا^۸ است. حوزه معنایی و واحدواژه با یکدیگر می‌آیند. حوزه معنایی سکونت با لفظ خانه شناخته می‌شود و در تمامی حوزه‌ها پُرسامدترین است. حوزه معنایی تجارت و صنعت و پیشه‌وری پس از حوزه سکونت در مرتبه دوم قرار دارند. واژه پُراستفاده در اسناد مرتبط با تجارت، «حانوت» است؛ «حانوت لبافی» (WWQI 16179A82)، «حانوت لباده‌فروشی» (WWQI 15161A117)، «حانوت قصابی» (WWQI 15161A112)، «حانوت قتادی» (WWQI 16179A169) و بسیاری دیگر. در اسناد مورد مطالعه از حانوت به جای «دکان» (جایگاه سرپوشیده برای خریدوفروش کالا) نیز استفاده شده است که با آن رابطه هم‌معنایی دارد. دکان را بیشتر در پیش‌نویس یا در اسناد غیررسمی تر می‌توان یافت و این موضوع نشان می‌دهد این واژه در زبان مردم رواج داشته است؛ در صلح‌نامه میان بی‌بی‌حسینی‌جان و دخترانش (۱۳۲۲ ه.ق) با حضور دو نفر از معمارین شهر از دکان نام برده‌اند (WWQI 14130A31). پیش‌تر نیز همین بی‌بی‌حسینی‌جان در ۱۳۲۰ ه.ق، طی نامه‌ای درخواست ساخت دکان را از کدخدای سَر‌دُزک کرده بود (WWQI 16179A30). در عریضه‌ای هم که ورثه حاجی محمدحسن طبّاح در خصوص خوانیت (جمع حانوت) خود قریب دروازه سعدی (۱۳۲۸ ه.ق) داشته‌اند از لفظ «حانوت» و «دکاکین» برای اشاره به یک موضوع استفاده شده است (WWQI 16179A245)؛ این موضوع نشان می‌دهد که تمایز مفهومی چندانی میان آن وجود نداشته است.

از «حجره» در شمار اندکی از اسناد و آن هنگامی استفاده می‌شود که مراد دکانی در بازار یا قیصریه باشد. نمونه آن سندی از ۱۲۹۲ ه.ق است که فروش دو حجره سیم‌کشی در قیصریه محله سوق‌الطیر را شرح می‌دهد (ساکما ۹۹۹/۴۶۴۳۳). در برخی موارد بجای حجره از «طاق» نیز نامبرده شده است؛ مباحعه‌نامه نیمی از یک اُرسی چوبی سه‌دری در سوق سلطانی که از آن به اطاق یاد شده (WWQI 16179A11) یا کارسازی اجاره «یک باب اطاق کاروانسرای روغنی» روبروی درب گمرک سابق (WWQI 16179A146). دکه واژه کم‌سامد دیگری است. مراد از دکه باید همان دکان کوچک باشد. در سندی مربوط به مباحعه‌نامه چاله برفی در کوه دراک در حومه شیراز از یک «دکه برف فروشی» منضم به آن در بازارچه آرامنه یاد شده است (ساکما ۹۹۹/۴۵۴۲۵). واژه دکه در یک سند به جای لفظ دکان یا حانوت نیز به کار رفته

که نشان می‌دهد جنبه خُرد بودن آن نسبت به دکان ملاک مهمی برای کاربرد آن در سند بوده است. در نسخه‌های اولیه وقف‌نامه املاک حاج محمد (۱۲۴۸ ه.ق) از وقف «دکّه خیازی» یاد شده (WWQI 14135A1) ولی در سند نهایی به حانوت اصلاح شده است. سکو، واژه دیگری است که در معماری رسمی کمتر مطالعه شده است؛ مال‌الاجاره «سکوی صرافی واقعه در سر چهارسوق سلطانی» (WWQI 16179A169) یا اجاره «سکوی بر چارسوق گنجه» (WWQI 16179A25)، نمونه‌های کم‌نظیری از اشاره به مقوله‌ای کمتر شناخته شده در معماری بازار هستند؛ چراکه، اساساً سکوها را تختگاه‌هایی سرگشاده در «میانگاه‌ها تکیه‌ها و جایگاه بازی بازیگران نمایش» می‌دانستند (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۷۴)؛ درحالی‌که در این دو سند، سکو در چارسوق بازار تعبیه شده است و در آن به تجارت مشغول بوده‌اند. دسته دیگر از گونه‌بناها، موارد مرتبط با کارگاه‌ها و کارخانه‌ها هستند که به تولید مشغول‌اند. نمونه جالب توجه در اینجا، واژه «سرا» است که در موارد اندکی به کاررفته است. در سندی به فروش «یک باب سرای عصارخانه» و «یک باب حانوت عصار» در محله بالا کفد قریب دروازه سعدی (۱۳۲۸ ه.ق) اشاره شده که به وضوح بر تمایز سرا و حانوت صحنه می‌گذارد (WWQI 16179A245). «کارخانه» گونه دیگری است که در صلح‌نامه مشهدی احد رزاز برای اجاره «کارخانه حصیربافی» در «تل معروف به حصیربافی» در محله سوق الطیر دیده می‌شود (WWQI 16179A236). «طاهونه/طاحونه» به معنی آسیاب است؛ در صورت حساب‌های حاجی ابوالقاسم علاقه‌بند از «غله طاهونه جهت ۴ ماه» و «مال‌الاجاره طاهونه» یاد شده است (WWQI 16179A26). بناهای حوزه «پیشه‌وری»، جنبه تولیدی ندارند- هرچند خود نوعی کسبوکار به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، مواردی را دربر می‌گیرند که به ارائه خدمات (به معنای امروزی آن) می‌پردازند: «قهوه‌خانه» و «حمام» (ساکما ۹۹۹/۴۵۶۳۲؛ ساکما ۹۹۹/۴۵۶۶۶) و «بهاربند» و «طویله» (ساکما ۹۹۹/۳۵۰۱۱).

۲. تشخیص یافتن مقوله

تشخیص یافتن فرآیندی است که در آن هر مقوله معماری واجد شخصیتی می‌شود که به واسطه آن مجازاً هویت مستقلی برای اشاره/خطاب قرارگرفتن، می‌یابد و به دستکم سه روش در اسناد انجام شده است: تشخیص یافتن به صفت یا تشخیص یافتن به مضاف یا هر دو. بیشتر اوقات تشخیص یافتن با واژه‌هایی همچون «موسوم به» و «مشهور به» مشخص می‌شود. مثلاً در قبالة فروش یک‌دانگ مشاع از خانه‌ای در محله سرباغ (۱۲۱۹ ه.ق) به «طرف بزرگ اندرونی» و «طرف خلوت» که به یکدیگر متصل بوده‌اند اشاره شده (ساکما ۹۹۹/۳۵۹۷۸) که نشان‌دهنده تفاوت اندرونی با خلوت است. در سندی دیگر به «طرف مهمان‌خانه» و «طرف خلوت» برمی‌خوریم (ساکما ۹۹۹/۴۳۳۲۳). این اقلام زبانی، سه‌گانه مهمان‌خانه، اندرونی و خلوت در معماری خانه را آشکار می‌کنند که در رابطه عضوآوری با خانه بوده و بر پایه مؤلفه معنایی خصوصی بودن، ارزش آن‌ها تعیین می‌شود. استفاده از دو صفت کوچک و بزرگ نیز بر مبنای تقابل معنایی/تقابل دوتایی، راهی مرسوم برای تشخیص آفرینی بخش‌های هر خانه با مشخصه ممیز اندازه بوده است؛ مثلاً در سندی به «یک باب خانه مشهور به طرف کوچک» متصل به «خانه بزرگ» در محله سرباغ (۱۲۷۴ ه.ق) اشاره شده است (ساکما، ۹۹۹/۳۹۷۵۳).

۳. تعلق یافتن مقوله

هر خانه یا بخشی از آن پس از تشخیص اغلب به شهر و محله یا فردی «تعلق» می‌یابد. این فرآیند شامل سه گام است که در دو سطح انجام می‌شود؛ سطح نخست را «تعلق طبیعی» و سطح دوم را «تعلق نهادی» می‌توان نامید. تعلق طبیعی، تعلق به شخصیتی حقیقی است که در پاره‌ای از اسناد وجود دارد. نمونه آن، اسناد مبیاعه «یک باب خانه مشهوره به خانه حیدرقلیخانی» واقع در محله میدان‌شاه (۱۲۴۵ ه.ق) است (ساکما ۹۹۷/۹۱). فرق تعلق طبیعی با تشخیص یک بنا در این است که با اطلاق مضاف یا صفت به یک مقوله، تعلق به وجود نمی‌آید هرچند هر تعلق همواره حدی از تشخیص را نیز به همراه دارد. سطح دوم، تعلق نهادی است که در آن به ترتیب یک بنا در ابتدا به «محله» و سپس به «شهر» متعلق می‌شود؛ مانند مبیاعه یک باب اُرسی پنج‌درکی به انضمام اتاق متصل به آن «واقع در محله سرباغ من محلات شیراز» (ساکما ۹۹۹/۴۹۷۰۶). فرآیند تعلق یافتن از جزء به کل است. تمامی اسنادی که به خانه اشاره دارند از تعلق نهادی استفاده می‌کنند. برای این کار از لفظ «واقع» یا ترکیبی از آن شامل «معینه معلومه واقعه» و مانند آن استفاده می‌شود ولی در برخی موارد نام شهر به سبب آشنایی طرفین معامله حذف می‌شود. به عنوان نمونه، «یک باب خانه معینه معلومه واقعه در محله درب مسجد جدید» (ساکما ۹۹۹/۴۱۱۱۲) (تصویر ۱).

۴. تعیین یافتن مقوله

از نظر معنی‌شناسی، مطلق هر خانه در نوعی رابطه جزءآوری با محله و شهر قرار دارد، ولی مشخصه ممیزی برای شناخت آن لازم است. پس به تعیین حدود اربعه یا تعیین نیاز دارد. تعیین یافتن مقوله معماری در اسناد به معنی فرآیند ممتاز شدن بنا از سایر بناهای هم‌جوار است.

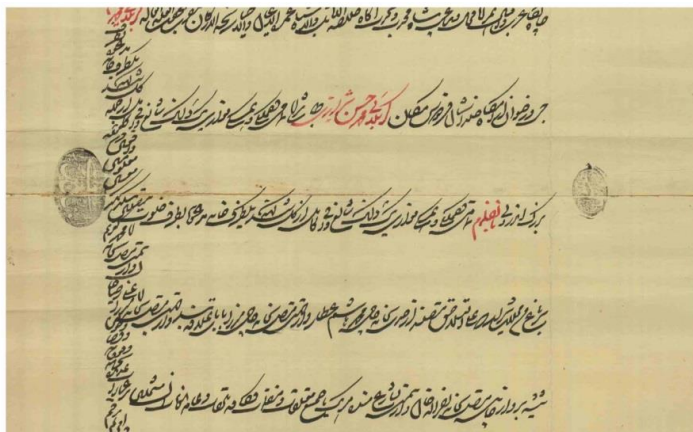
اصل مهم در کار تعیین مقوله معماری، «تحدید» آن در میان سایر مقوله‌ها است و بسیاری این کار را به «تعیین حدود اربعه» تعبیر و به‌آسانی از آن گذشته‌اند (نک ورنر، ۱۳۹۶؛ رضایی، ۱۳۹۰) درحالی‌که دارای آداب ویژه و گوناگونی بوده است. تعیین یافتن مقوله معماری -دستکم در اسناد مورد مطالعه- نشان می‌دهد که آن‌ها کمابیش فارغ از گونه‌بنا از اصول مشابهی بهره می‌برند ولی نخست باید در نظر داشت که مراد از «حدود اربعه» فقط اشاره به چهار سمت است و الزاماً به معنی جهات جغرافیایی نیست. اصل اساسی و ثابت در هر نوع تعیین این است که دستکم یکی از حدود بنا -که اولین یا آخرین آن نیز هست- «شارع عام یا شارع مُسَدَّه» باشد. تعیین یافتن اندام‌های معماری در اسنادی که در آن بخشی از یک بنا معامله می‌شود، کمابیش مشابه است. باین‌حال، در این اسناد نیز در ابتدا باید کل آن بنا به‌عنوان یک مقوله، تعیین یابد و سپس در آن مقوله متعین است که اجزای بنا به‌عنوان جزئی از کل، قابل تعیین خواهند بود.

الف) تعیین ناشناخته به شناخته

اغلب هر خانه به خانه‌های شناخته‌شده پیرامون آن تحدید می‌شود. در این عمل، مقوله ناشناخته به مقوله‌های شناخته برای ذی‌نفعان/کنشگران زبان، تعیین می‌یابد. برای این کار از الفاظ ساده و هم‌ریختی مانند «از حدی»، «از سمتی»، «از جهتی»، «از جانبی» و «از طرفی» به شکل متناوب و بیشتر اوقات بدون تکرار استفاده می‌شود (ساکما ۹۹۹/۳۵۹۸۷). به‌عنوان نمونه، در مبايعه خانه‌ای در محله اسحاق بیگ (۱۳۲۵ ه.ق) آمده: «از حدی به خانه جناب حاجی محمود معین‌التجار و از سمتی به خانه کربلایی محمدجعفر و از جهتی به طویلۀ جناب میرزا محمود بزاز و از طرفی به شارع عام» (ساکما ۹۹۸/۶۷۷۵). قاعده کلی بدین ترتیب است که برای هر سمت یا جهت باید به یک بنای شناخته‌شده اشاره کرد، ولی در مواقعی که در یک سمت بیش از یک بنا وجود دارد از لفظ «برخی» برای اشاره به این موضوع که خانه از آن سمت با دو بنا هم‌جوار است، استفاده می‌شود. نمونه‌ای از آن تحدید خانه‌ای در محله سنگ‌سیاه (۱۳۳۵ ه.ق) است که در سند آمده: «محدوده از حدی به شارع عام و از حدی به خانه ورثه مرحمت‌پناه امین‌دفتر و از حدی به طویلۀ مرحوم حاجی عبدالله ابوالوردی و از حدی برخی به منزل دیگر حاجی عبدالله مزبور و از حدی به طرف بزرگ حاجی عبدالله» (ساکما ۹۹۹/۳۵۰۱۲).

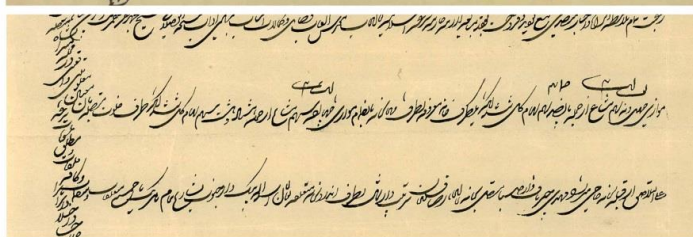
تصویر ۱. تعیین حدود بنا در اسناد مورد مطالعه (ساکما ۹۹۹/۳۵۹۷۸؛ ۹۹۹/۴۳۳۳۳؛ ۹۹۹/۴۱۱۱۲)

... تمامی، جملگی و همگی موازی یک‌دانگ شایع وافی کامل از جمله کل شش‌دانگ یک طرف خانه موسوم به طرف بزرگ اندرونی به **انضمام** تمامی، جملگی و همگی موازی یک‌دانگ شایع وافی کامل از کل شش‌دانگ یک طرف خانه موسوم به طرف خلوت، متصلین به یکدیگر، معینین معلومین واقعین در محله سرباغ من محلات شیراز که علی‌التلصق متصلند از حدی به خانه حاجی محمدهاشم عطار و از حدی متصل به خانه حاجی میرزا بابایی علاقه‌بند و از حدی متصل به خانه آقا میرزاعلیرضاخان و از سمتی متصل به خانه آقا محمدکریم شیشه بر و از جانبی متصل به خانه نصرالله‌خان و از سمتی به شارع منسده هر یک با جمیع متعلقات و مُنصّات و كافة ملحقات و عامة مضافات مشتمل بر عمارات عدیده تختانیه و فوقانیه و فضا و حوض و باغچه و زیرزمین و منبع و مطبخ و بیت‌الخلوه و درب و درگاه و دالان و درب کوچه...



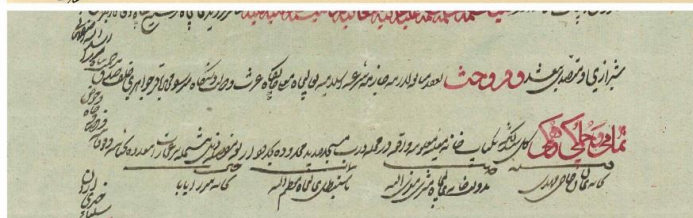
ساکما ۹۹۹/۲۵۸۷۸

کل شش‌دانگ یک‌طرف خانه معروفه به طرف مهمان‌خانه به انضمام موازی چهارده سهم شاع از جله هشتادوهشت سهم سهام کل شش‌دانگ طرف خلوت متصله به آن، معینین معلومین واقعین در محله میدان‌شاه علی‌التلصق از قبله به خانه حاجی میرزا مهدی جیرباف و از حدی متصل به خانه عالی‌شان آقا رضاقلی‌خان سرتیپ و از سمتی به طرف اندرونی متصله به عالی شان اسدالله‌بیگ و از جنوب به شارع عام هر یک با جمیع متعلقات و مُنصّات و كافة ملحقات و مطلق منصوبات...



ساکما ۹۹۹/۳۳۳۳۳

تمامی و جملگی و همگی کل شش‌دانگ یک باب خانه معینه معلومه واقع در محله درب‌مسجدجدید محدوده به حدود اربعه متصله ذیل (قبله: به خانه عالی‌شان حاجی‌مهدی، صبا: به دولت خانه عالی‌جاه مشتری معزی‌الیه، شمال: به اسطبل عالی‌جاه معظم‌الیه، جنوب: به خانه میرزا بابا) مشتمله بر عمارات متعدده تختانیه و فوقانیه و فضا و چاه و حوض و باغچه مشجره و مطبخ و مستحم و شارع و مشاع و ممَر و مدخل و جُدران و حیطان که مشتمل بر دو طرف می‌باشد...



ساکما ۹۹۹/۳۱۱۱۲

ب) تعین خورشیدمینا/ قبله‌مینا

استفاده از حرکت خورشید در آسمان دو سمت «رو به آفتاب» و «پشت به آفتاب» را با تقابل جهتی مشخص می‌کند که تلویحاً به ترتیب به معنی غرب و شرق هستند؛ چراکه اگر جزئی از اجزای یک خانه رو به آفتاب باشد، باید در غرب میانسرا واقع بوده و اگر پشت به آفتاب باشد، می‌بایست در شرق قرار داشته باشد. تعین قبله‌مینا نیز مشابه تعین خورشیدمینا مبتنی بر تقابل جهتی عمل می‌کند با این تمایز که در اینجا قبله تعیین‌کننده جهت‌یابی است. بررسی اسناد نشان می‌دهند که در اسنادی که از این تعین خورشیدمینا استفاده شده، شمال و جنوب به روش‌های دیگری همچون «تعین قبله مینا» یا با اشاره به جهات جغرافیایی، تدقیق شده است. ترکیب این دو باهم کار تعین خانه را ممکن می‌سازد. برخلاف تعین قبله‌مینا، از تعین خورشیدمینا فقط برای تعین اجزای یک مقوله معماری می‌توان استفاده کرد و با آن نمی‌توان کلیت یک مقوله را معین نمود. در تحدید اجزای خانه‌ها اغلب ترکیبی از دو شیوه تعین خورشیدمینا و تعین قبله‌مینا استفاده می‌شود و معماران به‌دفعات آن را به‌کاربرده‌اند. نمونه‌ای از آن، تعیین موقعیت «یک باب اوطاق سه دربی رو به آفتاب مع کفش‌کن و صندوق خانه و یک‌باب اوطاق سه دربی دیگر رو به آفتاب مخروبه وصل به اوطاق مزبور» است (ساکما ۲۹۶/۲۳۶۶۰).

ج) تعین ترکیبی

تعین ترکیبی به معنی ترکیب چند شیوه تعین است و از آنجاکه به‌ندرت می‌توان تمامی جهات چهارگانه جغرافیایی را در یک سند قاجاری یافت، نمونه‌های فراوانی از ترکیب جهات تحت عنوان «قبله/ صبا/ شمال/ جنوب» وجود دارند (ساکما ۹۹۹/۴۱۱۱۲؛ ساکما ۹۹۹/۴۳۳۲۳؛ ساکما ۹۹۷/۰۰۰۰۱۶). باید توجه داشت که قبله و جنوب نیز دو جهت کاملاً یکسان نیستند. این موضوع از نظر جغرافیایی مبرهن است و در برخی از اسناد نیز هر جا دقتی لازم بوده، لحاظ شده است. باید «صبا» را نقطه مقابل قبله تلقی کرد؛ صبا در لغت بادی است که از مابین مشرق و شمال وزد. پرواضح است که قبله در نقطه مقابل آن در جنوب غربی است؛ بنابراین جفت‌سازی دیگری نیز افزون بر «روبه‌قبله/ پشت به قبله» در اسناد وجود دارد و آن «صبا/ قبله» است که این دو نیز تقابل جهتی با یکدیگر دارند. هنگامی که با مقوله معماری در کلیت آن-و نه اجزا و اندام‌های بنا- سروکار داریم، این تقابل جهتی «صبا/قبله» است که به کار می‌آید. هرگاه در اسناد، جهتی دال بر شرق و غرب

وجود نداشته باشد، مراد از صبا می‌تواند مطلق شرق و مراد از قبله نیز می‌توان مطلق غرب باشد که در این صورت این هم‌معنایی به‌واسطهٔ شم‌زبانی سخن‌گویان قابل‌درک بوده و نوعی توسیع معنایی نیز به شمار می‌رود. درک این موارد به‌اصطلاح بافت‌مقید است.

۵. احصای متعلقات مقوله

شمردن و ضبط‌کردن متعلقات بنا نیز آداب کمابیش مشخصی دارد (نمودار ۲)؛ در این پژوهش مراحل احصای متعلقات بنا به ترتیب «ادوات شمول»، «برشماری» و «اقرار» نامیده شده است. «ادوات شمول» در اسناد با واژگانی همچون «با جمیع متعلقات و منضمات» آغاز شده و در ادامهٔ واژهٔ «از»، به شمردن متعلقاتی بنا پرداخته می‌شود. «برشماری» متناسب با نوع مقوله و نوع معامله (بیع قطعی یا شرطی یا اجاره‌نامه) گوناگونی‌هایی دارد، ولی همچنان قاعده‌ای کلی بر آن حاکم است؛ «متعلقات پایه» بخش اساسی مقولهٔ معماری را برمی‌شمارد که با نشانگری متنی شبیه به «و سایر مضافات» به انتها می‌رسد. در صورتی که مقولهٔ معماری دیگری نیز وجود داشته باشد، «متعلقات پیرو» با نشانگر «به انضمام» تا آنجا که لازم باشد، برشمرده خواهند شد. این امر در صورتی رخ می‌دهد که موضوع معامله بیش از یک مورد باشد که در این حالت، مقولهٔ اصلی را در ابتدا و دیگر موارد را به ترتیب با نشانگر «به انضمام» خواهند آورد. برای اینکه این متعلقات به‌خوبی در متن سند قابل‌شناسایی باشند، برخی اوقات آن نشانگر را با قلم درشت‌تر یا قلم متفاوتی می‌نویسند و یا با تغییر رنگ، برجسته می‌نمایند.

نمودار ۲. ساخت احصای متعلقات در اسناد تاریخی (یافته‌های پژوهش)

مطلق بها، بدون استثنائی از آن.
بزی از آن.
منضمات و عامهٔ توابع و لواحق جزئیة
آن.
من التوابع، بدون إفراز چیزی از آن.

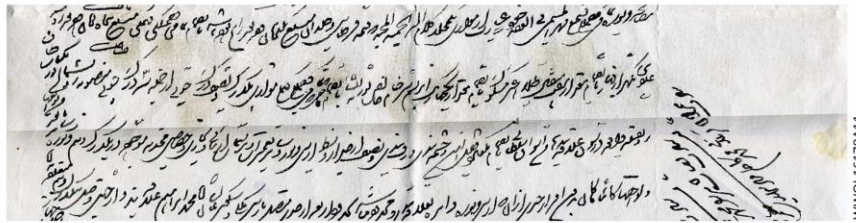
محور جانشینی (متداعی)

محور هم‌نشینی

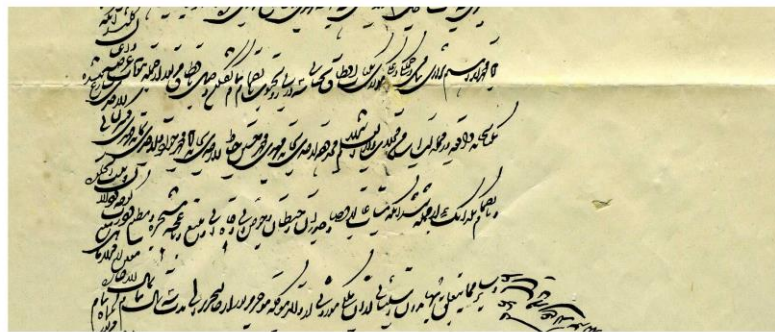
بررسی اسناد مورد مطالعه نشان می‌دهد که متعلقات پایه و پیرو می‌توانند در دو سطح نیز آورده شوند که از آن به «عامهٔ متعلقات» و «متعلقات خاص» یاد می‌کنیم. عامهٔ متعلقات ترکیبی از باهم‌آیی‌های متداعی و باهم‌آیی‌های هم‌نشینی هستند. باهم‌آیی‌های متداعی که در سنت مطالعهٔ صناعات ادبی به آن‌ها مراعات‌النظیر نیز گفته می‌شود در نوعی رابطهٔ زنجیره‌ای باهم قرار دارند. ولی متعلقات خاص، حسب مقولهٔ مورد معامله نوشته می‌شود؛ این موارد را نمی‌توان از پیش تعیین یا در مورد ساخت آن‌ها داوری کرد، ولی دستکم می‌توان به این مورد اشاره داشت که این متعلقات در مواقعی که مقولهٔ معماری مورد اشاره، کلی است، در میان باهم‌آیی‌های متداعی و هم‌نشینی ظاهر می‌شوند، ولی هنگامی که با مقوله‌ای جزئی یا ویژه مواجهیم به سبب ماهیت موضوع معامله/مقولهٔ معماری، جداگانه احصاء خواهند شد. در هر صورت، این باهم‌آیی‌ها تصویری از اندام‌های بنا عرضه می‌دارند که می‌توانند برای امروز ما تازگی داشته باشند و نشان می‌دهند که گذشتگان چگونه به مقولهٔ معماری می‌نگریستند. در انتهای احصای متعلقات به «اقرار» دست‌زده می‌شود. اقرار بدین معنا که هیچ‌چیزی از مقولهٔ معماری اعم از هر آنچه متعلق به آن، تابع آن، منضم به آن و الحاق به آن است از آن إفراز نخواهد شد. این واژگان همگی اصطلاحات فنی-حقوقی

هستند و برای تأکید دوباره بر «ادوات شمول» در ابتدای احصای متعلقات بوده و نیز تأکیدی هستند بر «تمامی و همگی و جملگی» مورد معامله/مقوله معماری که در متن سند بدان اشاره می‌شود (تصویر ۲).

تصویر ۲. احصای متعلقات دکان و خانه‌ای در اسناد مورد مطالعه (WWQI 16179A11; 16179A117)



... به انضمام تمامی و همگی موازی یک دُزک و نصف دُزک چوبی از جمله سه دُزک چوبی منصوبه رو به شمالی در یک باب اتاق رو به قبله، واقعه در سوق علاقه‌بندها من اسواق سلطانی، به انضمام یک عدد قفل آهنی و چشم‌بندی و رُف‌بندی، و نصف از چدار وسط اُرسی مزبور و سایر تعمیرات و ترسیمات از بنائی، نجاری و (خُصاصی؟) محدثه موجوده در یک دُزک و نیم (و کوره؟) ... من ابوابها و لُواحها کائنا ماکان، بدون افراز چیزی از آن، که اُرسی مزبوره دایره به علاقه‌بندی و محدود می‌باشد به حدود اربعه، از حدی متصل به اُرسی ملکی و مسکونی عالی‌شان محمداً بهرامی علاقه‌بند، و از جهتی وصل به یک دُزک و نیم متعلقه به آقا زین‌العابدین، مسکونی حاجی محمدحسن علاقه‌بند، محاذی اُرسی مسکونی آقا میرزا جان، ملکی ورثه مرحمت‌پناه، حاجی محمدظاهر علاقه‌بند، با جمیع متعلقات و مُنضمات...



... تمامی و جملگی و همگی موازی یک باب اوطاق تحتانی سه دربی رو به جنوب به انضمام تمام کفش‌کن وصل به اوطاق مزبور، از جمله تمام عرصه و اعیان کل شش دانگ یک باب خانه واقعه در محله لب‌آب، من محلات دارالعلم شیراز، محدود از حدی به خانه مشهدی محمدحسین خیاط، و از حدی به خانه محمدجواد، و از حدی به خانه مشهدی قنبر (کیایی؟)، و از حدی به شارع مُنسَده و به انضمام یک دانگ از جمله شش دانگ مشاعات از فضا، جُدران و خِيطان و حوض آبی و چاه آبی و منبع و باغچه مشجره و مطبخ و درب کوچه و دالان و بیت الخُلوه و سایر مما يتعلق بها، بدون استثنائی از آن...

الف) متعلقات حوزه معنایی سکونت

متعلقات خانه در کل «اراضی» و «عمارت» است؛ یعنی همان که به «عرصه» و «اعیان» شهره است. محمداسمعیل و محمدکاظم معمار در صورت مفروزی خانه میرزا عبدالرزاق (ه.ق. ۱۳۲۸) آورده‌اند که «آقا سیدحسین»، «بده دارد از بابت اراضی عمارت» و در بخش مربوط به صورت مشاعات، قیمت «اراضی فضا» را آورده‌اند (WWQI 16179A77). به این ترتیب، اراضی، شامل دو بخش «فضا» و «عمارت» است. برشمردن متعلقات خانه در تمامی اسناد مورد مطالعه نشان می‌دهند که نوعی تمایز میان فضای ساخته‌شده (عمارت) و فضای باز در این برشماری‌ها وجود دارد. در این اسناد میان «فضا» و «عمارت» نیز تمایز دیده می‌شود و به‌وضوح متعلقات یک خانه را به دو قسم می‌کند- شأنی یگانه و برابر برای فضا در مقابل عمارت و ابنیه و متعلق‌های آن قائل می‌شود. سیداسمعیل و استاد شیرمحمد و محمد از معماران شیراز در تعیین حدود خانه میرزا محمدصادق (۱۲۷۲ ه.ق)، به‌صراحت از دوگانه «فضا و عمارت و ابنیه» یاد کرده‌اند (WWQI 14130A2) این دوگانگی میان فضای زندگی انسان و آستر نیز دیده می‌شود؛ در ابتدای همان سند اشاره شد که معماران باید برای تعیین سهم هر وارث، تمام اراضی خانه بزرگ را «از طولیه و فضاخانه» ذرع نمایند که ترکیب دو جزء «فضا» و «خانه» است.

فضا پیوند مستقیمی با «حیاط» دارد، ولی نباید آن را مطلق حیاط دانست؛ کربلایی میرزا حیدر معمار و استاد محمدکریم معمار در «صورت قیمت خانه مادر مشهدی علی‌اکبر» (۱۳۳۴ ه.ق)، «ارضی فضای حیاط» و متعلقات حیاط شامل «حوض با راه‌آب، اشجار نارنج و چاه آب و دُستک» را جداگانه به مبلغ ۷۳ تومان قیمت گذاشتند که حدود ۱۲٪ ارزش خانه دو آشکوبه با زیرزمین را شامل می‌شده است (WWQI 16179A192). در این سند، قیمت زمین حیاط ۱۸ تومان برآورد شده است. اراضی، بخش زیربنایی فضا است و بر روی آن یا درون آن چیزهایی احداث می‌شوند که متعلقات حیاط هستند، ولی فضای ایجادشده حفاصل میان جبهه‌های چهارگانه بنا -بدون توجه به آنچه اعم از

آب و درخت در آن جاری یا کاشته شده باشد یا حوض و چاهی که در آن ساخته شده باشد- در مقوله معماری خانه ارزش و شأنی همانند دیگر بخش‌های بنا داشته است؛ چیزی که امروزه نه در قیمت‌گذاری بنا و نه در شمار اجزای بنا دیده نمی‌شود. در صلح‌نامه بین فرخنده‌بیگم و ملّا احمد سمسار (۱۳۳۸ ه.ق) به هنگام برشمردن مشاعات خانه آمده، «فضا و حوض و چاه» و... (WWQI 16179A52). این موضوع در برشمردن متعلقات خانه‌ای در سنگ‌سیاه (۱۲۸۶ ه.ق) نیز دیده می‌شود: «با جمیع متعلقات از عمارات و فضا و حوض و باغچه و چاه» و... (WWQI 1130A19) یا در صلح‌نامه خانه‌ای دیگر در همان محله در ۱۳۲۲ ه.ق که به «جمیع متعلقات و منضمات از فضا و حوض و باغچه مشجره به اشجار مختلفه و چاه آبی» و... (WWQI 14130A31) اشاره شده است و حتی در اجاره یک اطاق سه‌دری در خانه‌ای واقع در محله لب‌آب (۱۳۲۵ ه.ق) که فضا را بخشی از مشاعات در کنار راهرو و دالان و غیره برشمرده است (WWQI 16179A117). به این ترتیب، متعلقات خانه شامل اراضی، عمارت و فضا است و هر آنچه در ادامه می‌آید متعلقات و منضمات عمارت خانه است نه فضا. عمارت و فضا (پُر و خالی) در این نگرش، نوعی تقابل مکمل دارند که بر پایه رابطه سلبی (تضاد) بین دو واحد واژگانی است؛ یعنی همان تقابل معنایی در معنی‌شناسی رابطه‌ای.

برشمردن اراضی خانه جز در مواردی که به ضرورت بدان نیاز باشد (همچون مفروز کردن و موضوع کردن خانه جهت وراثت)، در اسناد مرسوم نیست و واژگانی همچون «تمامی عرصه و اعیان» بر اراضی خانه نیز دلالت داشته و نیازی به برشمردن آن در احصای متعلقات خانه وجود ندارد. اشاره به عمارت، بیشتر اوقات، به صورت کلیشه‌ای آورده می‌شود؛ مانند «بیوتات متعدده فوقانیه و تحتانیه» (ساکما ۹۹۷/۰۰۰۱۶). ولی اگر متعلق مهمی در آن باشد بدان نیز اشاره می‌شود؛ مانند: «أُرسی و عمارات تحتانیه و فوقانیه» (ساکما ۹۹۹/۴۳۲۳). حیاط نیز وضعیت مشابهی دارد؛ جز در اشاره به اراضی آن، کمتر می‌توان حیاط را در برشماری متعلقات خانه به عنوان یک عنصر دید (نمونه کم‌نظیری از آن اشاره به حیاط در مبیعه شرطی سه دانگ خانه‌ای در سرباغ (ساکما ۹۹۸/۱۵۶۶) است که در آن بجای فضا به حیاط اشاره شده است)؛ به جای آن، با اشاره به هر متعلق، حیاط به نوعی حی و حاضر می‌گردد. نمونه بسیار مختصری از احصای متعلقات یک خانه در دست است که نشان می‌دهد ذکر تنها دو بخش کافی است؛ در مبیعه فروش اندرونی و خلوت و طویله خانه‌ای در محله لب‌آب (۱۲۹۳ ه.ق) به «مشمول بر عمارات تحتانی و فوقانی و حوض و باغچه و سایر ما یعلق بها» بسنده شده است و تفصیل‌های مرسوم را ندارد (ساکما ۹۹۹/۴۵۴۳۲).

ب) متعلقات حوزه معنایی تجارت و صنعت و پیشه‌وری

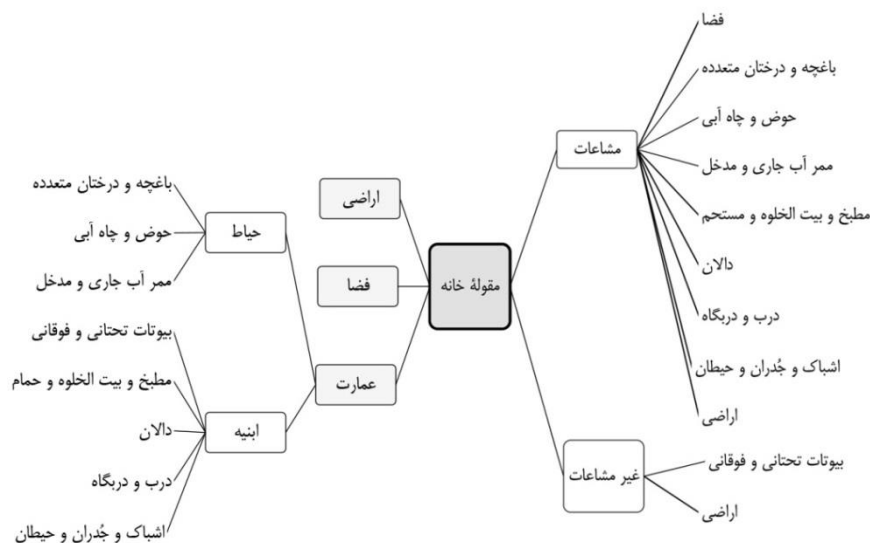
گونه‌گونی مقوله‌های این حوزه بیش از آن است که بتوان همگی را در یک ساخت یکسان جای داد. برشمردن متعلقات مقوله دکان (حانوت) و دکه به سبب ماهیت آن‌ها بسیار به هم شبیه است تا آنجا که نمی‌توان تمایزی میان آن‌ها دستکم در اسناد این پژوهش تشخیص داد. در حالت کلی در صورت اشاره به متعلقات یک حانوت، آن را «مشمول بر الواح و جدران» دانسته‌اند (WWQI 15161A112). ولی در مواردی نیز به جزئیات بیشتری اشاره شده است؛ در سندی مربوط به فروش «یک باب حانوت قنادی‌گری» در اردوبازار (۱۲۷۵ ه.ق)، متعلقات آن شامل «زیرزمین، دست‌دان، پشتک، انبار، منبر و چاه آب» بوده است (ساکما ۹۹۹/۴۶۴۳۹). در اسنادی که به فروش یا اجاره بخشی از یک دکان اختصاص دارند جزئیات بیشتری می‌توان دید؛ نمونه کمابیش یکتایی از آن اشاره به متعلقات صلح‌نامه‌ای در خصوص یک درک و نیم از جمله سه درک چوبی یک باب اطاق در بازار علاقه‌بندها در سوق سلطانی (۱۳۰۳ ه.ق) است که شامل «یک عدد قفل آهنی و چشمه بندی و رف‌بندی و نصف جدار وسط اُرسی مزبور و سایر تعمیرات و ترسیمات از بنایی و نجاری و خصایل محدثه موجوده» می‌شده است (WWQI 16179A11). سندی مربوط به مصالحه‌ای در تل معروف به حصیربافی واقع در محله سوق الطیر (۱۳۴۱ ه.ق) جزئیاتی از یک «کارخانه حصیربافی» دارد که جالب توجه است. در این سند آمده که این کارخانه مشتمل بر «عمارت، چاه‌خانه و انبار خنک‌دانی و حوض و چاه آب و درب بزرگ و نصف تمام از جزء یمینی و سیری درب بزرگ مزبور» بوده است (WWQI 16179A236). طویله‌ها و بهاربندها^۲ نیز در شماری از اسناد، مورد اشاره هستند. نمونه آن اشاره به متعلقات طویله‌ای است واقع در محله سنگ‌سیاه که شامل «توبند و بیرون‌بند» بوده است (۹۹۹/۳۵۰۱۱). متعلقات یک بهاربند واقع در خارج دروازه کازرون (۱۳۲۶ ه.ق) چنین است: «مشمول بر ۲ انبار فوقانی رو به آفتاب و طویله رو به آفتاب و دو سرند و طویله پشت به آفتاب و... و باریک‌سازی پشت به قبله و پله و دسته پله و دسته و یک باب اوطاق انبار فوقانی... با کافه ملحقات از اراضی و فضا و درب و دالان و پشتک و ممر و مدخل و جدران و حیطان» (ساکما ۹۹۹/۴۹۷۰۴). این سند ترکیبی از شیوه برشماری اجزای یک خانه و اقتضات یک بهاربند است. جزئیات حمام اغلب با تفصیل بیشتری است؛ مبیعه‌نامه دو باب حمام موسوم به بزرگ و کوچک واقع در سوق الطیر (۱۳۳۳ ه.ق) نمونه کم‌نظیری از این دست است. در این سند آمده که حمام بزرگ شامل «بینه، گرم‌خانه، تون‌خانه، بیت‌الخلوه، درب و دالان و گلخن و طویله و انبار متدده، چاه و منبع و مجری آب و بالاخانه نشیمن فوق حمام بزرگ و دو عمود منصوبه در خزینه بزرگ» بوده است (ساکما ۹۹۹/۴۵۶۳۲). در این سند برخی جزئیاتی آمده که در تمامی حمام‌ها عمومیت دارند ولی برخی دیگر ویژه همان مورد بوده است. در سندی دیگر مربوط به حمام نیمه دائره‌ای واقع در همان محله (۱۳۳۵)

ه.ق) به متعلقاتی برمی‌خوریم که در شناخت معماری حمام تازگی دارد: «بینه و گرم‌خانه و خزاین و خیاض و لرزه‌خانه و قهوه‌خانه و انبار سوخت‌دان و گاوچاه و گاو دان» (ساکما ۹۹۹/۴۵۶۶۶). اصطلاح لرزه‌خانه، اندام یا فضای کمتر شناخته‌شده‌ای در معماری حمام است و وجود انبار سوخت و گاو دان نیز در طرح حمام‌ها برای معمار امروزی که به گذشته می‌نگرد، تازگی دارد و در مستندات تهیه‌شده برای این گونه‌بنا کمتر بدان اشاره می‌شود.

تبیین ساحت‌های مقوله معماری

مفهوم مقوله معماری در اسناد مورد مطالعه را می‌توان در دو ساحت مکمل یکدیگر تبیین کرد: ساحت تأسیسی و ساحت تعینی. در ساحت تأسیسی، مقوله معماری به واسطه معرفی اجزای خود فهم می‌شود و در رابطه میان آن‌ها موجودیتی قابل شناخت می‌یابد. ولی در ساحت تعینی، مقوله معماری در شبکه‌ای از روابط بیرونی مشخص می‌شود که مکانی و نهادی هستند. بنا در ساحت تأسیسی یک کل صرف تلقی نمی‌شود بلکه اجزاء و متعلقاتش در قیمت‌گذاری نهایی آن نقش داشته و به آن قابلیت تقسیم و مبادله (مفروز شدن) می‌بخشد. امکان قیمت‌گذاری بنا از طریق جمع‌جبری هر جزء، مفهوم بنا را به مثابه یک کل دگرگون می‌کند. این موضوع در تعیین ارزش مبادله‌ای بنا با قیمت‌گذاری بر اساس مساحت کاملاً متمایز است. قابلیت مفروز شدن نیز مفهومی متفاوت از مقوله معماری عرضه می‌کند. این امر در تمامی گونه‌بناها حاکم نیست بلکه تنها در گونه‌بناهایی که امکان تقسیم بنا بدون اختلال در کارکرد آن را داشته باشند، مفهوم مفروز شدن وجود دارد. نمونه ویژه آن حوزه سکونت است. تحلیل اسناد نشان می‌دهند که سازمان درونی مقوله خانه بیش از آنکه بر تمایز میان سه گانه «اراضی»، «عمارت» و «فضا» استوار باشد بر تمایز میان مفروز و غیرمفروز پیریزی شده است؛ چراکه همواره روزی نیاز به تقسیم آن وجود خواهد داشت. در این منطق، «فضا» بخشی از مشاعات است و برشمردن دیگر اندام‌های یک خانه در ادامه آن، درواقع بر مبنای مشاعات بودن آن‌ها است و عضو واژگی و جزءواژگی که فهمی امروزی است در آن حاکم نیست (نمودار ۳). در این نگرش، اراضی هم در بخش مشاعات و هم در بخش مفروزات حضور دارند و علت توجه به مشاعات و برشمردن آن‌ها برخلاف غیرمشاعات، در اهمیت آن‌ها در هر معامله ای است که جای اشکال خواهد داشت. در مباحثه‌نامه‌هایی که یک خانه به‌طور کلی و یکجا به فروش می‌رسد، برشمردن مشاعات تنها یک کلیشه رایج است ولی در مباحثه بخش‌هایی از یک خانه یا اجاره‌نامه‌ها، برشمردن مشاعات تأکید بر حق استفاده مشترک مستأجر را در خود دارد. در این نوع از اسناد، بخش غیرمشاع به تفصیل آورده می‌شود و حدود آن نیز به روشنی بیان می‌شود؛ بنابراین، دیگر نیازی نیست تا متعلقات آن در این بخش برشمرده شوند. این مهم برای گونه‌بنای حوزه تجارت و صنعت و پیشه‌وری متفاوت است. چراکه آنجا مفهوم مفروز و غیرمفروز اغلب مورد نیاز نیست.

نمودار ۳. متعلقات مقوله خانه در اسناد مورد مطالعه (یافته‌های پژوهش)



ساحت تعینی نیز فهم متفاوتی از بنا نزد مردم روزگار قاجار آشکار می‌سازد که بر روابط مکانی-جغرافیایی و شخصی-نهادی استوار است. علیرغم اینکه بسیاری از گذرها و معابر نزد مردم محلی نامی داشتند، در اسناد به آن‌ها اشاره نمی‌شده چراکه به نظر می‌رسد اعتبار تعین به

«موضع» است نه به «معر» به دلایل زبان‌شناختی، این ماهیت تقابلی و تبیینی نهفته در جهات جغرافیایی، قبله‌منا و خورشیدمنا است که موقعیت یک بنا را معین می‌کند؛ به عبارت دیگر برای فهمیدن هم‌جواری‌های یک بنا که بر اساس جهات، تعین یافته، نیازی نیست بدانیم چه چیزی در کجا واقع است؛ چراکه نقطه مرجع روابط تقابلی و تبیینی میان واژه‌ها، خود فرد است که همواره خود را درون بنا می‌پندارد. حتی هنگامی که با تعین شناخته با ناشناخته مواجهیم نیز شناخته‌ها آن قدر نزد سخنگویان و جاهت دارند که نیازی به آوردن نام گذرها نیست. مورد دیگر در این زمینه این است که چه‌بسا مردم روزگار قاجار تعین را مفهومی در «سلسله‌مراتب موضع» می‌دیدند نه در «سلسله‌مراتب دسترسی به آن موضع». فهم امروزی ما برای آدرس‌دهی و مشخص کردن یک بنا در شهر، روش دسترسی به آن از طریق معابر است درحالی که منطق ادراکی مردم قاجاری بنا را مادیتی عینی همچون یک شیء می‌بیند که موضع آن در تعیین نسبت آن شیء با دیگر اشیاء تعریف می‌شد نه در نسبت با معابر و گذرها؛ بنابراین، بنا را با به نگرشی موضع‌شناسانه می‌شناختند. همین تلقی از مقوله معماری به مثابه یک شیء بدان تشخیص می‌بخشید و برخی اوقات به نامی خوانده می‌شد. امروزه نام‌گذاری بناها بیش از گذشته مرسوم است ولی تعلق بنا به افراد و به محله پدیده‌ای کمابیش مهجور برای امروز ماست؛ مفهوم بنا به مثابه عضوی از یک محله نشان‌دهنده روابط شبکه‌ای در ساخت شهر است که در این اسناد نیز بازتاب یافته است ولی تعلق آن به افراد برای نامیده‌شدن از رابطه‌ای دو سویه میان انسان-کالبد ناشی می‌شود که انسانی‌تر از فهم امروزی از مایملک افراد است. این تعلق دوگانه طبیعی-نهادی، مقوله معماری را در شبکه‌ای چندگانه از روابط اجتماعی و حقوقی قرار می‌دهد که می‌بایست در کنار دوگانه‌های قبله‌منا-خورشیدمنا و مفروز-غیرمفروز فهم شود؛ بنابراین فهم مقوله معماری در خلال اسناد، لایه‌های پیچیده‌ای از انسان، شهر و دیگر بناها را در خود دارد که با فهم امروزی از بنا به مثابه یک کل یا کالبدی حقوقی و هنری متفاوت بوده است.

نتیجه‌گیری

رویکرد زبان‌شناختی به اسناد مرتبط با معماری، با وارونه کردن الگوهای متعارف بازسازی‌گرایانه در مطالعه اسناد تاریخ معماری، به سند به عنوان برساخت ذهنی گذشتگان در قالب نظامی متشکل از واحدهای زبانی و مبتنی بر دستور ساختاری می‌نگرد که بخشی از فهم مردم از معماری را بازنمایی می‌کند. در این رویکرد، اسناد مرتبط با معماری در مجموع به نوعی استنساخ از واقعیت بدل می‌شوند که در آن، معنا از تفاوت‌های میان اجزا (نه دلالت مصداقی) و بر پایه روابط زنجیره‌ای و متداعی ساخته می‌شود. در این پژوهش با بهره‌گیری از معنی‌شناسی ساخت‌گرا، ساختار مقوله معماری بازسازی گردید و با مقایسه با تلقی‌های کنونی، برخی ویژگی‌های تاریخی آن به مثابه یک مفهوم روشن شد. یافته‌های این پژوهش در ابتدا «ساختار تأسیس و تعین مقوله معماری» را در اسناد مردمی دوره قاجار استخراج نمودند که شامل پنج گام تأسیس مقوله، تشخیص یافتن مقوله، تعلق یافتن مقوله، تعین یافتن مقوله و در نهایت احصای متعلقات مقوله هستند. با بررسی انواع روابط معنایی میان عناصر مقوله معماری در این اسناد، دو ساحت مکمل به نام «ساحت تأسیسی» و «ساحت تعینی» برای تبیین مقوله معماری معرفی شدند که با الهام از تاریخ مفهوم، امکان بررسی دگرگونی‌های مفهومی مقوله معماری در دوره قاجار و عصر کنونی میسر گردید. این موارد درک متفاوتی از مقوله معماری و نسبت اجزای بنا با آن عرضه کردند؛ شأنیت فضا در مقابل عمارت در سه گانه «اراضی»، «عمارت» و «فضا» در معرفت معماری قاجاری دیگر اکنون وجود ندارد. ساخت مقوله معماری بر پایه مفروز و غیرمفروز (و نه بر پایه فضای ساخته‌شده و باز) تلقی کاملاً متفاوتی نسبت به امروز را نشان می‌دهد که ناشی از ارزش مبادله‌ای اجزاء در قیاس با کل بنا و قابلیت بخش‌پذیری بنا در معماری آن دوره بوده است. تعیین حدود بنا بر پایه هم‌جواری‌ها و مبتنی بر نگرشی موضع‌شناختی که اصل را بر موقعیت فرد در بنا و جهت‌یابی بر اساس حرکت خورشید و راستای قبله می‌گذارد، مفهوم دیگری برای تعین مقوله معماری است. تعلق بنا به فرد و نامیدن آن به صفات یا ویژگی‌هایی که موجب تشخیص بنا می‌گردد نیز نشان از درک کمابیش متمایزی نسبت به امروز دارد. همه این موارد در چارچوب روابط جزء-کل، مکانی-جغرافیایی و شخصی-نهادی قابل تبیین هستند؛ روابط متعددی که در مقیاس درونی و بیرونی میان بنا و اجزایش با تمامی ذی‌نفعان برقرار بوده و مفهوم مقوله معماری را به پدیده‌ای چندوجهی با روابطی چندگانه بدل می‌کرده است. در این پژوهش، تنها به شیراز و دوره قاجار پرداخته شد، امید است سایر پژوهشگران به بررسی مقوله معماری در اسناد دوره‌ها و جغرافیاهای دیگر ایران بپردازند تا مفهوم آنچه معماری ایران نامیده می‌شود، بیش‌ازپیش روشن گردد.

پی‌نوشت‌ها

^۱Non-narrative Architecture Knowledge.

^۲Conceptual History.

^۳ اسناد به دو دسته کلی بخش شده‌اند: «اوراق سندی (مالی)» (مانند رهن و بیع شرط، مبیعه‌نامه، قباله‌های خریدوفروش و اجاره و استجاره، مقاطعه‌نامه، بروات و حوالجات) و «اوراق صریحه (حقوقی-قضائی)» (همچون وصیت‌نامه‌ها، وکالت‌نامه‌ها، قباله‌های نکاح و طلاق، ضمانت‌نامه‌ها، استشهادنامه‌ها، عرض حال، قبوض رسید) (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ۴۱-۴۳). تقسیم‌بندی‌های کلی‌تری نیز وجود دارند؛ فدایی عراقی (۱۳۹۰، ۱۱۶-۱۱۷)، اسناد را به دو دسته «اسناد شرعی» (اسنادی برآمده از مباحث فقهی) و «اسناد عرفی» (اسنادی ناشی از دستاوردهای نظام اجتماعی و سیاسی حاکم) تقسیم کرده است.

^۴Christoph Werner.

^۵Women's Worlds in Qājār Irān Digital Archives.

^۶ رکن محتوا یا متن یکی از بخش‌های سه‌گانه هر سند است. بخش‌های دیگر شامل رکن مطلع (تحمیدیه) و رکن خاتمه (مؤخره و تاریخ) هستند.

^۷Representational.

^۸Sense Relations.

^۹John Lyons.

^{۱۰} نباید برگردان واژه «مفهوم» که در این اصطلاح برابر واژه Sense در زبان انگلیسی آورده شده، با واژه Concept/Intension خلط گردد. مفهوم در واژه‌های مجموعه دوم، «تصویر یا تصور ذهنی‌ای را گویند که از مصداق در ذهن/مغز پدید می‌آید [...] از هر مصداق، یک مفهوم در ذهن/مغز پدید نمی‌آید؛ بلکه برحسب مشترکات مصادیقی که از یک نوع تلقی شده‌اند، مفهومی در ذهن/مغز ضبط می‌شود که حاصل جمع تمامی آن ویژگی‌های مشترک است» (صفوی، ۱۴۰۰، ۱۰۷).

^۱Lexical Field.

^۱Semantic Field.

^۱Compositional Analysis.

^۱Relational Semantics.

^۱Hyponymy.

^۱Semantic Opposition.

^۱Semantic Contrast.

^۱Synonymy.

^۱Meronymy.

^۱Member-collection.

^۱Portion-mass.

^۱Diachronic.

^۱Synchronic.

^۱Semantic Field.

^۱Frame of Reference.

^۱Saddle Period.

^۱Linguistic Relics.

^۱Building Type.

^{۲۹} دکه، دکانچه، دکان‌سرای، سکو و آن جایی است که قدری از زمین هموار را مرتفع سازند و بر آن نشینند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۷، ۹۶۹).

^۳Associative Collocation.

^۳Syntagmatic Collocation.

^{۳۲} آغل تابستانی روباز

فهرست منابع

- Asadpour, A. (2025). Muhammad Esma'il, the Architect, in the Historical Qajar-Era Documents of Shiraz. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 13(48), 38-49. doi: 10.22034/jaco.2025.492424.1436
- Blair, Sheila S. (2008). Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of Endowment Deed of the Rab-e Rashidi. Translated by Mehrdad Gayyoomi Bidhendi. *Golestan-e Honar*, 4(3), 48-73. <http://golestanehonar.ir/article-1-209-fa.pdf> (in Persian)
- Dehkhoda, A.-A. (1998). *Dehkhoda dictionary* (2nd ed., new series). University of Tehran Press. (in Persian)

- Fadaei Araqi, G. R. (2011). *An introduction to understanding archival documents*. SAMT Publications. (in Persian)
- Gandomkar, R. (2020). *Descriptive dictionary of semantics*. Elmi Publications. (in Persian)
- Gandomkar, R. (2022). *An introduction to structural semantics* (2nd ed.). Elmi Publications. (in Persian)
- Ghaem Maghami, J. (1971). *An introduction to understanding historical documents*. Association for National Heritage. (in Persian)
- Hasanabadi, A. (2023). *An introduction to document studies and archival document research*. SAMT Publications. (in Persian)
- Masoudi Nejad, R. (2023). *The Dezful Bridge Company: A new historiography of the Sasanian bridge*. Ensānshenāsi Publications. (in Persian)
- Matthews, P. H. (2023). *A short history of structural linguistics* (R. Gandomkar, Trans.; 2nd ed.). Ketab-Saray-e Mirdashti. (in Persian) (Original work published 2001)
- Melvin Richter. (1995). *The history of political and social concepts: A critical introduction*. Oxford University Press.
- National Library and Archives of Iran. (1219 AH [1840–1841 CE]). *[Deed of sale of a house in the Sarbāgh quarter from Karbalā ʾī Khalīl Razzāz to Karbalā ʾī Muḥammad Karīm]* [Archival document]. Document No. 35978/999.
- National Library and Archives of Iran. (1223 AH [1844–1845 CE]). *[Deed of sale of a house in the Maydān-i Shāh]* [Archival document]. Document No. 000016/997.
- National Library and Archives of Iran. (1234 AH [1858–1859 CE]). *[Deed of sale of a house in the Darb-i Masjid-i Jadīd quarter by Muḥammad Ja ʿfar Munshī to Mīrzā Muḥammad Bāqir Jawharī]* [Archival document]. Document No. 41112/999.
- National Library and Archives of Iran. (1245 AH [1829–1830 CE]). *[Deed of sale of the house known as Ḥaydar Khānī in the Maydān-i Shāh quarter, with a description of its details and repairs]* [Archival document]. Document No. 91/997.
- National Library and Archives of Iran. (1274 AH [1857–1858 CE]). *[Deed of sale of the house known as Kūchak in Sarbāgh]* [Archival document]. Document No. 39753/999.
- National Library and Archives of Iran. (1274 AH [1857–1858 CE]). *[Deed of sale of one side of the house known as Mihmānkhāna in the Maydān-i Shāh]* [Archival document]. Document No. 43323/999.
- National Library and Archives of Iran. (1275 and 1277 AH [1858–1859 and 1860–1861 CE]). *[Two settlement deeds and a deed of sale concerning confectionery and box-making shops in the Urūdbāzār of Shiraz]* [Archival document]. Document No. 46439/999.
- National Library and Archives of Iran. (1286 AH [1869–1870 CE]). *[Deed of sale of an electric well in Jabal-i Darāk and a snow-selling stall in the Armenian bazaar]* [Archival document]. Document No. 45425/999.
- National Library and Archives of Iran. (1292 AH [1875–1876 CE]). *[Deed of sale of two shops in the Qaysariyya of the Sūq al-Ṭayr quarter]* [Archival document]. Document No. 46433/999.
- National Library and Archives of Iran. (1293 AH [1876–1877 CE]). *[Deed of sale of part of the house known as Andarūnī and Khalvat, together with a stable, in the Lab-i Āb quarter]* [Archival document]. Document No. 45432/999.
- National Library and Archives of Iran. (1307 AH [1889–1890 CE]). *[Deed of sale of part of a partitioned house in Bālā Kafād]* [Archival document]. Document No. 23660/296.
- National Library and Archives of Iran. (1321 AH [1903–1904 CE]). *[Conditional deed of sale of three dāng of a house in the Sarbāgh quarter between Mīrzā ʿAlī-Muḥammad Ṭājir-i Dahdashtī and Mīrzā Ḥasan Mu ʿallif]* [Archival document]. Document No. 1566/998.
- National Library and Archives of Iran. (1325 AH [1907–1908 CE]). *[Deed of sale of a house in the Isḥāq Beg quarter]* [Archival document]. Document No. 6775/998.
- National Library and Archives of Iran. (1326 AH [1908–1909 CE]). *[Deed of sale of a bāhārband and the shop adjoining it outside the Kāzīrūn Gate]* [Archival document]. Document No. 49704/999.
- National Library and Archives of Iran. (1333 AH [1914–1915 CE]). *[Deed of sale of a five-bay ūrsi (three darak and two darb), together with a three-door room, an adjoining manẓar, and a pushtak in the Sarbāgh quarter]* [Archival document]. Document No. 49706/999.
- National Library and Archives of Iran. (1333 AH [1914–1915 CE]). *[Deed of sale of a stable in the Sang-i Siyāh quarter]* [Archival document]. Document No. 35011/999.
- National Library and Archives of Iran. (1333 AH [1914–1915 CE]). *[Deed of sale of two bathhouses in the Sūq al-Ṭayr quarter from Mīrzā Maḥmūd Bazzāz to Mīrzā Ḥaydar ʿAlī Mi ʿmār]* [Archival document]. Document No. 45632/999.
- National Library and Archives of Iran. (1335 AH [1916–1917 CE]). *[Document concerning a property in the Sang-i Siyāh quarter transferred to Qavām al-Daʿfār by Mīrzā ʿAlī, a Shirazi attendant, and his mother, Bībī Zīnat]* [Archival document]. Document No. 35012/999.

- National Library and Archives of Iran. (1335 AH [1916–1917 CE]). *[Deed of sale of several houses and a bathhouse in the Lab-i Āb and Sūq al-Ṭayr quarters by Muḥammad Ḥasan Bazzāz to Mīrzā Maḥmūd Bazzāz]* [Archival document]. Document No. 45666/999.
- Qasem-Khan, A. (2018). *Takieh Dowlat: Of being and not being*. Scientific and Cultural Publications. (in Persian)
- Qayyumi Bidehendi, M., & Danaei-Far, M. (2016). The concept of architecture in the transition from the Sasanian period to the Islamic era: An introduction to the conceptual history of Iranian architecture. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 5(10), 49–72. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111769_8d0e79e49c248c8e797820c987eea57f.pdf (in Persian)
- Rafiee Sarshaki, B., Rafizadeh, N., & Ranjbar Kermani, A. M. (2016). *Farhang-e mehrāzi (architecture) of Iran* (3rd ed.). Road, Housing and Urban Development Research Center. (in Persian)
- Reinhart Koselleck. (2002). *The practice of conceptual history: Timing history, spacing concepts* (T. S. Presner, K. Behnke, & J. Welge, Trans.). Stanford University Press.
- Rezaei, O. (2011). *An introduction to Sharia documents of the Qajar period*. Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Safavi, K. (2021). *Descriptive dictionary of semantics* (2nd ed.). Farhang-e Moaser Publications. (in Persian)
- Werner, C. (2017). The formal dimensions of Qajar-era sales documents. In K. Kendo (Ed.), *Iranian documents: The social history of Iran and Turan from the tenth to the fourteenth centuries AH* (A. Akhshini, Trans., pp. 40–99). Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. (Original work published 2003)
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1228 AH [1849–1850 CE]). *[Settlement deed between Abū Turāb and Fatḥ-ʿAlī with Ḥājī ʿAlī-Riḍā concerning a herbalist's shop beside the ʿAbbāsī stream]* [Archival document]. Document No. 15161A112.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1228 AH [1849–1850 CE]). *[Settlement deed between Abū Turāb and Fatḥ-ʿAlī with Ḥājī ʿAlī-Riḍā concerning a herbalist's shop beside the ʿAbbāsī stream]* [Archival document]. Document No. 15161A112.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1244–1250 AH [1828–1834 CE]). *[Endowment deed of Ḥājī Muḥammad]* [Archival document]. Document No. 14135A1.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1272 AH [1855–1856 CE]). *[Determination of the boundaries of Mīrzā Ṣādiq's house and determination of the share of the heirs of Shaykh Abū Turāb]* [Archival document]. Document No. 14130A2.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1286–1290 AH [1869–1873 CE]). *[Documents concerning transactions involving a house in the Sang-i Siyāh quarter]* [Archival document]. Document No. 1130A19.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1303 AH [1885–1886 CE]). *[Settlement deed between Qamar Sulṭān and Mashhadī Ḥājī Muḥammad concerning a room in the ʿAlāqa-band-hā bazaar]* [Archival document]. Document No. 16179A11.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1320 AH [1902–1903 CE]). *[Letter of request by Bībī Ḥosnī-Jān for the construction of a shop and a corridor]* [Archival document]. Document No. 16179A30.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1322 AH [1904–1905 CE]). *[Settlement deed of Bībī Ḥosnī-Jān and her daughters concerning a house in the Sang-i Siyāh quarter]* [Archival document]. Document No. 14130A31.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1322 AH [1904–1905 CE]). *[Settlement deed of Bībī Ḥosnī-Jān and her daughters concerning a house in the Sang-i Siyāh quarter]* [Archival document]. Document No. 14130A31.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1322 AH [1904–1905 CE]). *[Settlement deed of Ḥājīyya Zīvar Sulṭān with Mīrzā Zayn al-ʿAbidīn concerning the house known as the Large Side and Small Side, shops, and gardens]* [Archival document]. Document No. 16179A169.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1323 AH [1905–1906 CE]). *[Statement of expenses submitted by Ḥājī Abū al-Qāsim ʿAlāqa-band for the children's expenses]* [Archival document]. Document No. 16179A26.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1325 AH [1907–1908 CE]). *[Power of attorney for the recovery of Bāhārband and a bāghcheh, granted to Mīrzā Zayn al-ʿAbidīn Sahām al-Sharīʿa]* [Archival document]. Document No. 16179A56.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1325 AH [1907–1908 CE]). *[Lease agreement for a room]* [Archival document]. Document No. 16179A117.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1325 AH [1907–1908 CE]). *[Declaration by the children of Ḥājī Ghulām Riḍā Baqqāl of Shiraz concerning a grocery and fodder shop and the endowment of an old house in the Darb-i Shāhẓāda quarter]* [Archival document]. Document No. 15161A117.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1325 AH [1907–1908 CE]). *[Settlement deed between Ḥājī Muḥammad Ḥasan Aṭṭār and Bībī Zīvar Sulṭān concerning the sale of an upper-floor room in Shāh Square]* [Archival document]. Document No. 16179A75.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1328 AH [1910–1911 CE]). *[Division of the late Mīrzā ʿAbd al-Razzāq's house among the heirs]* [Archival document]. Document No. 16179A77.

- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1328 AH [1910–1911 CE]). [*Petition by the heirs of Ḥājji Muḥammad Ḥasan Ṭabbākh concerning shops and the Aṣṣārkhāna caravanserai in the Bālā Kafad quarter*] [Archival document]. Document No. 16179A245.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1332 AH [1914–1915 CE]). [*Letter concerning the lease of a room in a caravanserai opposite the former Customs Gate, with payment to Mīrzā Zayn al-ʿĀbidīn Sahām al-Sharīʿa*] [Archival document]. Document No. 16179A146.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1334 AH [1915–1916 CE]). [*Price assessment of the house of the mother of Mashhadī ʿAlī Akbar in the Bālā Kafad quarter*] [Archival document]. Document No. 16179A192.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1338 AH [1919–1920 CE]). [*Settlement deed between Farukhanda Begum and Mullā Aḥmad Samsār*] [Archival document]. Document No. 16179A52.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1338 AH [1919–1920 CE]). [*Power of attorney for the sale and lease of a house and a stable*] [Archival document]. Document No. 16179A324.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1341 AH [1922–1923 CE]). [*Settlement deed concerning a mat-weaving factory located in the Sūq al-Ṭayr quarter*] [Archival document]. Document No. 16179A236.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1343 AH [1924–1925 CE]). [*Lease agreement by Zahrā and Bībī Nisā' from Ḥājji Ramazān-ʿAlī Baqqāl for a house in Ḥandaq in the Sar-i Dazak quarters*] [Archival document]. Document No. 16179A181.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1343 AH [1924–1925 CE]). [*Power of attorney for resolving a dispute concerning two shops in the shrine of Sayyid Tāj al-Dīn Gharīb, granted to Mīrzā Zayn al-ʿĀbidīn Sahām al-Sharīʿa*] [Archival document]. Document No. 16179A82.

اسدیپور، علی (۱۴۰۴). محمد اسمعیل معمار در اسناد تاریخی دوره قاجار شیراز. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۱۳ (۴۸)، ۳۸–۴۹.
<https://doi.org/10.22034/jaco.2025.492424.1436>

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۸ ه.ق.). صلحنامه بین ابوتراب و فتحعلی با حاج علی رضا در باب حانوت عطاری کنار نهر عباسی. ش. 15161A112.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۲ ه.ق.). صلحنامه بی بی حسنی جان و دخترانش در باب خانه ای در محله سنگ سیاه. ش. 14130A31.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۵ ه.ق.). وکالتنامه برای استرداد بهارمند و باغچه به میرزا زین العابدین سهام الشریعه. ش. 16179A56.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۳ ه.ق.). اجاره نامه زهرا و بی بی نساء از حاجی رمضان علی بقال یک باب خانه در حندق از محلات سردرگ. ش. 16179A181.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۵ ه.ق.). اجاره نامه یک اطاق. ش. 16179A117.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۸۶–۱۲۹۰ ه.ق.). اسناد معاملات خانه ای در محله سنگ سیاه. ش. 1130A19.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۵ ه.ق.). اقرارنامه فرزندان حاج غلامرضا بقال شیرازی درباره حانوت بقالی و علافی و وقف یک خانه قدیمی در محله درب شاهزاده. ش. 15161A117.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۲۷۲ ه.ق.). تعیین حدود خانه میرزا صادق و تعیین سهم وراثت شیخ ابوتراب. ش. 14130A2.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۸ ه.ق.). تفکیک خانه مرحوم میرزا عبدالرزاق بین ورثه. ش. 16179A77.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۱ ه.ق.). صلحنامه بر سر کارخانه حصیربافی واقع در محله سوق الطیر. ش. 16179A236.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۸ ه.ق.). صلحنامه بین ابوتراب و فتحعلی با حاج علی رضا در باب حانوت عطاری کنار نهر عباسی. ش. 15161A112.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۵ ه.ق.). صلحنامه بین حاجی محمد حسن عطار و بی بی زیور سلطان بر سر فروش بالاخانه ای در میدان شاه. ش. 16179A75.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۸ ه.ق.). صلحنامه بین فرخنده بیگم و ملا احمد سمسار. ش. 16179A52.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۰۳ ه.ق.). صلحنامه بین قمر سلطان و مشهدی حاجی محمد در خصوص یک باب اتاق در بازار علاقه بندها. ش. 16179A11.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۲ ه.ق.). صلحنامه بی بی حسنی جان و دخترانش در باب خانه ای در محله سنگ سیاه. ش. 14130A31.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۲ ه.ق.). صلحنامه حاجیه زیور سلطان با میرزا زین العابدین بر سر خانه موسوم به طرف بزرگ و طرف کوچک، دکاکین و بساتین. ش. 16179A169.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۴ ه.ق.). صورت قیمت خانه مادر مشهدی علی اکبر در محله بالا کفد. ش. 16179A192.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۳ ه.ق.). صورت حساب حاجی ابوالقاسم علاقه بند برای مخارج اطفال. ش. 16179A26.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۸ ه.ق.). عریضه ورثه حاجی محمد حسن طباطبائی درباره حانوتها و سرای عصارخانه در محله بالا کفد. ش. 16179A245.

آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۲ ه.ق.). نامه درباره اجاره اطاق در کاروانسرای روبروی درب گمرک سابق، کارسازی در وجه میرزا زین العابدین سهام الشریعه. ش. 16179A146.

- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۲۰ ه.ق). نامه درخواست بی‌بی‌حسینی‌جان برای ساخت دکان و دالان. ش. 16179A30.
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۴-۱۲۵۰ ه.ق). وقف‌نامه حاج محمد. ش. 14135A1.
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۴۳ ه.ق). وکالت‌نامه برای رفع اختلاف بر سر دو حانوت در بقعه سیدناج‌الدین غریب به میرزا زین‌العابدین سهام‌الشریعه. ش. 16179A82.
- آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. (۱۳۳۸ ه.ق). وکالت‌نامه برای فروش و اجاره خانه و طویله. ش. 16179A324.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷). معماری و جامعه در دوره ایلخانان: تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. گلستان هنر، ۴(۳): ۴۸-۷۳. <http://golestanehonar.ir/article-1-209-fa.pdf>
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۲). درآمدی بر سندشناسی و سندپژوهی در منابع آرشیوی. انتشارات سمت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (چاپ ۲ از دوره جدید). انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، امید (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رفیعی سرشکی، بیژن؛ رفیع‌زاده، ندا و رنجبر کرمانی، علی محمد (۱۳۹۵). فرهنگ مهرازی (معماری) ایران (چاپ ۳). نشر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۱۹ ه.ق). قبالة فروش خانه‌ای در محله سرباغ از کربلایی خلیل رزاز به کربلایی محمدکریم. ش. ۹۹۹/۳۵۹۷۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۴ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش خانه‌ای در محله درب مسجد جدید توسط محمدجعفر منشی به میرزا محمدباقر جواهری. ش. ۹۹۹/۴۱۱۱۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۴۵ ه.ق). مبیعه فروش خانه موسوم به حیدرخانی در محله میدان‌شاه و شرح جزئیات و تعمیرات آن. ش. ۹۹۷/۹۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۷۴ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش خانه موسوم به کوچک در سرباغ. ش. ۹۹۹/۳۹۷۵۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۷۴ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش یک‌طرف خانه معروف به مهمان‌خانه در میدان‌شاه. ش. ۹۹۹/۴۳۳۳۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۰۷ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش بخشی از یک خانه مفروزی در بالاکف. ش. ۲۹۶/۲۳۶۶۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۵ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش یک باب خانه در محله اسحاق بیگ. ش. ۹۹۸/۶۷۷۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۳ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش یک باب آرسی پنج‌دهنه (سه درک و دو درب) به انضمام یک باب اوطاق سه دربی و منظری متصله و پشتک در محله سرباغ. ش. ۹۹۹/۴۹۷۰۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۵ ه.ق). در محله سنگ‌سیاه به قوام دفتر توسط میرزا علی ملازم شیرازی و والدهاش بی‌بی‌زینت. ش. ۹۹۹/۳۵۰۱۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۷۵ و ۱۲۷۷ ه.ق). دو مصالحه‌نامه و قبالة‌نامه فروش دکان‌های قنادی و صندوق‌سازی در اردوبازار شیراز. ش. ۹۹۹/۴۶۴۳۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۶ ه.ق). مبیعه‌نامه بهارند و حانوت متصل به آن در خارج دروازه کازرون. ش. ۹۹۹/۴۹۷۰۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۱ ه.ق). مبیعه‌نامه شرطی سه دانگ خانه در محله سرباغ بین میرزا علی محمد تاجر دهنده‌دستی و میرزا حسن مؤلف. ش. ۹۹۸/۱۵۶۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۹۳ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش بخشی از خانه موسوم به اندرونی و خلوت و طویله در محله لب‌آب. ش. ۹۹۹/۴۵۴۳۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۸۶ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش چاه برقی در جبل‌دراک و یک دکه برف‌فروشی در بازارچه ارامنه. ش. ۹۹۹/۴۵۴۲۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۵ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش چند باب خانه و حمام در محله لب‌آب و سوق‌الطیر توسط محمدحسن بزاز به میرزا محمود بزاز. ش. ۹۹۹/۴۵۶۶۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۳ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش خانه‌ای در میدان‌شاه. ش. ۹۹۷/۰۰۰۰۱۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۲۹۲ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش دو حجره در قیصریه محله سوق‌الطیر. ش. ۹۹۹/۴۶۴۳۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۳ ه.ق). مبیعه‌نامه فروش یک باب طویله در محله سنگ سیاه. ش. ۹۹۹/۳۵۰۱۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۳۳ ه.ق). مبیعه فروش دو باب حمام در محله سوق‌الطیر از میرزا محمود بزاز به میرزا حیدرعلی معمار. ش. ۹۹۹/۴۵۶۳۲.
- صفوی، کورش (۱۴۰۰). فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی (چاپ ۲). انتشارات فرهنگ معاصر.
- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی. انتشارات سمت.
- قاسم‌خان، علیرضا (۱۳۹۷). تکیه دولت؛ از بودن و نبودن. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. انتشارات انجمن آثار ملی.
- قیومی‌بیدهندی، مهرداد؛ دانایی‌فر، مطهره (۱۳۹۵). مفهوم معماری در برهه گذار از دوره ساسانیان به دوران اسلامی، درآمدی بر تاریخ مفهومی معماری ایران. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، ۵(۱۰): ۷۲-۴۹. https://ijas.kashanu.ac.ir/article_111769_8d0e79e49c248c8e797820c987eea57f.pdf
- گندمکار، راحله (۱۳۹۹). فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی. انتشارات علمی.
- گندمکار، راحله (۱۴۰۱). آشنایی با معنی‌شناسی ساخت‌گرا (چاپ ۲). انتشارات علمی.

متیوس، پیتر (۱۴۰۲). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساخت‌گرا*. ترجمه راحله گندمکار (چاپ ۲). تهران: نشر کتاب‌سرای میردشتی. (چاپ اصلی اثر، ۲۰۰۱)
مسعودی‌نژاد، رضا (۱۴۰۲). *شرکت پل دزفول: تاریخ‌نگاری جدید پل ساسانی*. نشر انسان‌شناسی.
ورنر، کریستوفر (۱۳۹۶). *ابعاد صوری اسناد فروش دوره قاجار (ویراستار کندو نوبوآکی)*. *اسناد/ایرانی: تاریخ اجتماعی ایران و توران از سده دهم تا چهاردهم هجری*، ترجمه علی آخشینی (۹۹-۴۰). انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. (چاپ اصلی اثر ۲۰۰۳)

The Category of Architecture in Private Documents of the Qājār Period: A Structural Semantic Analysis

Abstract

Private's documents, as linguistic representations, embody part of people's lived experience and also contain elements of historical concepts. These documents have received far less attention from scholars of Iranian architectural history than official, royal, chancery, and similar documentary sources, largely because documents of everyday life seldom refer to monumental buildings or enduring urban complexes. Moreover, historical documents are most often consulted in architectural studies for the purpose of constructing historical narratives, whereas their linguistic features contain forms of architectural knowledge that are not narrative in nature. The present study aims to identify the linguistic structure underlying the understanding and representation of the category of architecture in Qājār-period documents. To this end, it employs concepts from structural semantics and subsequently interprets the findings in light of conceptual history. The study addresses two questions: How do these documents approach the category of architecture from the perspective of structural semantics? What new insights do they provide into the popular understanding of the category of architecture during the Qājār period? The research adopts a qualitative approach. A corpus of seventy-six private documents related to Shiraz during the Qājār period was examined in the archives of the National Library and Archives of Iran and the Women's Worlds in Qājār Irān Digital Archives. In the first stage, all documents were examined in their entirety. The words related to the category of architecture were then extracted from the content component of each document as the primary data. Since the objective was to identify the relationships among words, their frequency of occurrence was not considered a criterion for analysis. In the next stage, five principal categories were identified within the documents. By determining the position of the elements of each category along the syntagmatic axis and their alternatives along the associative axis, it became possible to examine the relationships among these elements on the basis of concepts drawn from structural semantics. The analysis revealed a process of the establishment and determination of the category of architecture, comprising: (1) establishment, (2) individuation, (3) attribution, (4) determination, and the identification of associated attributes. These findings were interpreted through two dimensions—establishment and determination—which demonstrate: the primacy of space over the building; the construction of the category of house on the basis of divided and undivided property (shaped by exchange value and the divisibility of the building); the definition of a building's limits through adjacent properties and a site-oriented perspective (based on an individual's position within the building); the attribution of buildings to persons and to the city; and the naming of buildings according to their attributes or characteristics. All of these can be interpreted within the frameworks of part-whole, spatial-geographical, and personal-institutional relationships. Together, these multiple relationships—operating both within and beyond the building, between the building and its constituent elements, and among all those associated with it—shaped the category of architecture as a multifaceted phenomenon constituted through multiple relational dimensions.

Keywords: Architecture, Conceptual History, Document, Qajars, Semantics